



Research Article

The Pattern of China's Strategic Relations in the Middle East with Respect to Iran and Israel

Seyed Mohammad Ali Modarresi Yazdi^{1*}, Valiollah Vahdaninia², Mohammad Taghi Partovi³, Seyyed Mehdi Mousavi Shahidi⁴

1. Master's student in Southeast Asian studies, University of Tehran

2. Assistant Professor of Public Policy, Army Command and Staff University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor of Operations Research, Command and Staff University of the Islamic Republic of Iran Army

4. Assistant Professor, Department of Geopolitics, Tehran Command and Staff University, Iran

Article history:

Received: 15/10/2025

Accepted: 20/11/2025

Abstract

Introduction

With the end of the Mao era and the beginning of Deng Xiaoping's reforms, China gradually expanded its economic presence in West Asia. Through the strategy of "hiding capabilities and biding time", Deng sought to lay the foundations for China's long-term influence without becoming entangled in political tensions. This trajectory continued under Jiang Zemin and Hu Jintao and eventually, during the Xi Jinping era, contributed to the emergence of a strategy of "strategic balancing". Within this framework, China faces a complex situation in the Tehran–Beijing–Tel Aviv triangle. On the one hand, its strategic relations with Iran in the fields of energy and certain forms of military cooperation have continued; on the other hand, its technological and

Please cite this article as:

Modarresi Yazdi, S.M.A., Vahdaninia, V., Partovi, M.T., Mousavi Shahidi, S.M (2026). The Pattern of China's Strategic Relations in the Middle East with Respect to Iran and Israel. *Journal of Regional Orders Studies*, 3(1) 151-204. <https://doi.org/10.22099/JAROS.2026.55586.1055>

* Corresponding author: E-mail address: ModaresiYazdi@ut.ac.ir



Copyright: © 2026 by the author(s). This article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) licence (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

economic cooperation with Israel has also persisted. However, Operation al-Aqsa Storm and the subsequent 12-day war between Iran and Israel in June 2025 placed this balance under pressure and raised a question in Israel as to whether China still adheres to the model of strategic balancing or is redefining Iran as a strategic partner in its competition with the United States. Accordingly, the central question is whether, in light of recent developments, China has altered its traditional strategy of strategic balancing, or whether it remains within its previous framework and has merely undertaken a tactical readjustment of its behaviour. The authors' hypothesis is that, in the triangular relationship between China, Israel, and Iran, Beijing's previous strategic pattern of "cooperation–conflict" has shifted after the October war towards a pattern of "conflict–relative conflict". Despite certain costs, this shift has created favourable opportunities for China to increase its synergy with Iran and the Arab world as major sources of energy.

Method

This study uses game theory, the Prisoner's Dilemma model, and Gambit software to analyse the mechanisms of conflict and cooperation among actors under conditions of uncertainty. By scoring the data and calculating Nash equilibria, both pure and mixed, strategic scenarios are simulated in order to explain the consequences of decisions and the prevailing behavioural patterns with greater precision.

Findings

Relations between China and Israel have historically rested on several fundamental pillars, understanding which is essential for grasping the current dynamics between these two actors. The first pillar concerns the historical ties between Jewish communities and Chinese society. The second relates to bilateral cooperation in advanced technologies and modernisation. China's perception of its historical vulnerability, together with its pursuit of a strategy of survival and development under the "Made in China 2025" initiative, pushed Beijing towards using Israel's capacities in research and development and advanced technologies. This vital need prepared the ground for the third pillar: the expansion of bilateral investment. The entry of major Chinese companies into large-scale infrastructure projects, alongside investment in the agricultural and start-up sectors, reflects this connection. In continuation of this economic convergence, the fourth pillar took shape through a significant increase in scientific and academic cooperation, with the establishment of joint university campuses in China and the creation of bilateral research funds among its important

achievements. However, Beijing's broader strategy in the Middle East also includes other dimensions that reproduce its diplomacy in the form of a "cooperation–conflict" policy. The fifth pillar of these relations is defined in the shadow of China's strategic cooperation with Iran. Finally, the sixth pillar concerns the idea of supporting Palestine within the broader narrative of the "Global South". Public opinion data in the Arab world indicate that this approach has enhanced China's standing and paved the way for deeper financial and energy relations with Arab states, enabling China to preserve its technological ties with Israel while expanding its geopolitical influence vis-à-vis the West.

Conclusion

After the events of 7 October, Israel's perception of Beijing's neutrality was undermined, and despite China's diplomatic efforts to preserve economic relations, relations between the two sides began to cool. Analysis based on game theory shows that although the "cooperation–cooperation" scenario is the most desirable outcome for both sides, Israel's structural dependence on the United States and the shifting regional balance of power have compelled China to revise its previous strategy. Consequently, by prioritising its geoeconomic and strategic interests, Beijing has moved towards strengthening and consolidating its relations with Iran, a development that is pushing China–Israel relations towards a "conflict–conflict" situation.

Keywords: Israel, Cooperation and Conflict, Game Theory, China, Iran.



الگوی روابط راهبردی چین در خاورمیانه در رابطه با ایران و اسرائیل

سید محمدعلی مدرسی یزدی^{۱*}، ولی اله وحدانی‌نیا^۲، محمدتقی پرتوی^۳، سیدمهدی موسوی شهیدی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه جنوب شرقی آسیا، دانشگاه تهران

۲. استادیار سیاستگذاری عمومی، دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، تهران، ایران

۳. استادیار تحقیق در عملیات، دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

۴. استادیار گروه ژئوپلیتیک دانشگاه فرماندهی و ستاد اجا تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

اطلاعات مقاله

چکیده

مقدمه: با پایان دوره مائو و آغاز اصلاحات دنگ شیائوپینگ، چین به تدریج حضور اقتصادی خود را در غرب آسیا گسترش داد. دنگ با راهبرد «پنهان کردن قدرت و منتظر زمان بودن» تلاش کرد بدون ورود به تنش‌های سیاسی، پایه‌ای برای نفوذ بلندمدت چین ایجاد کند. این روند در دوره‌های جیانگ زمین و هو جین‌تائو نیز ادامه یافت و نهایتاً در دوره شی جین‌پینگ به شکل‌گیری راهبرد «تعادل استراتژیک» انجامید. در این چارچوب، چین در مثلث تهران - پکن - تل‌آویو با پیچیدگی مواجه است؛ از یک سو روابط راهبردی با ایران در حوزه انرژی و برخی همکاری‌های نظامی پابرجاست و از سوی دیگر همکاری‌های فناورانه و اقتصادی با اسرائیل ادامه دارد. اما عملیات طوفان الاقصی و سپس جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ این موازنه را تحت فشار قرارداد و در اسرائیل این پرسش را ایجاد کرد که آیا چین هنوز به الگوی تعادل استراتژیک پایبند است یا در حال بازتعریف ایران به عنوان شریک راهبردی در رقابت با آمریکا است. براین اساس این پرسش بنیادین مطرح می‌شود که آیا چین در پی

استناد به این مقاله:

مدرسی یزدی، سید محمدعلی؛ وحدانی‌نیا، ولی‌اله؛ پرتوی، محمدتقی و موسوی شهیدی، سیدمهدی (۱۴۰۵). الگوی روابط راهبردی چین در خاورمیانه در رابطه با ایران و اسرائیل. *پژوهشنامه نظم‌های منطقه‌ای آسیا*. ۳. (۱). ۱۵۱-۲۰۴.

E-mail address: ModaresiYazdi@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول:



تحولات اخیر، راهبرد سنتی خود مبتنی بر توازن استراتژیک را دستخوش تغییر کرده است یا همچنان در چارچوب گذشته باقی مانده و صرفاً به بازتنظیم تاکتیکی رفتار خود مبادرت ورزیده است. فرضیه نویسندگان این است که در مثلث روابط چین، اسرائیل و ایران، الگوی راهبردی پیشین پکن یعنی «همکاری - تعارض»، پس از جنگ اکبر به سمت الگوی «تعارض - تعارض نسبی» تغییر یافته است. این چرخش، علی‌رغم برخی هزینه‌ها، فرصت‌های مطلوبی برای افزایش هم‌افزایی چین با ایران و جهان عرب (به‌عنوان منابع اصلی انرژی) فراهم کرده است.

روش: این پژوهش با استفاده از نظریه بازی‌ها، مدل «معمای زندانی» و نرم‌افزار گمبیت (Gambit)، سازوکارهای تعارض و همکاری بازیگران را در شرایط عدم قطعیت تحلیل می‌کند. با امتیازدهی به داده‌ها و محاسبه تعادل‌های نش (خالص و مختلط)، سناریوهای استراتژیک شبیه‌سازی شده‌اند تا پیامد تصمیمات و الگوهای رفتاری حاکم بادقت بیشتری تبیین شوند.

یافته‌ها: روابط چین و اسرائیل در طول تاریخ همواره بر چند محور اساسی استوار بوده است که درک آن‌ها برای شناخت پویایی‌های فعلی این دو بازیگر ضروری است. محور نخست، به روابط و پیوندهای تاریخی اقوام یهودی با جامعه چینی بازمی‌گردد؛ محور دوم، همکاری‌های دوجانبه در زمینه فناوری‌های نوین و مدرن‌سازی است. ادراک چین از آسیب‌پذیری تاریخی و تلاش برای تحقق استراتژی بقا و توسعه تحت عنوان «ساخت چین ۲۰۲۵»، پکن را به سمت بهره‌گیری از ظرفیت‌های اسرائیل در حوزه‌های تحقیق و توسعه و فناوری‌های پیشرفته سوق داد. این نیاز حیاتی، بستر شکل‌گیری محور سوم، یعنی توسعه سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه را فراهم کرد. ورود شرکت‌های بزرگ چینی به پروژه‌های کلان زیرساختی، در کنار سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی و استارت‌آپی، نمودی از این پیوند است. در امتداد این هم‌گرایی اقتصادی، محور چهارم با افزایش چشمگیر همکاری‌های علمی - دانشگاهی شکل گرفت که تأسیس پردیس‌های دانشگاهی مشترک در چین و ایجاد صندوق‌های تحقیقاتی دوجانبه از دستاوردهای مهم آن به شمار می‌رود.

با این حال، راهبرد کلان پکن در خاورمیانه شامل ابعاد دیگری نیز هست که دیپلماسی این کشور را در قالب یک سیاست «همکاری - تعارض» بازتولید می‌کند. محور پنجم این روابط، در سایه همکاری‌های استراتژیک چین با ایران تعریف می‌شود. در نهایت، محور ششم به ایده حمایت از فلسطین در ذیل کلان‌روایت «جنوب جهانی» اختصاص دارد. داده‌های افکارسنجی در جهان عرب نشان می‌دهد که این رویکرد به ارتقای جایگاه چین کمک کرده و مسیر را برای تعمیق روابط مالی و انرژی با کشورهای

عربی هموار ساخته است تا چین ضمن حفظ پیوندهای فناورانه با اسرائیل، نفوذ ژئوپلیتیک خود را در برابر غرب گسترش دهد.

نتیجه گیری: پس از وقایع هفتم اکتبر، ادراک اسرائیل نسبت به بی طرفی پکن مخدوش شد و باوجود تلاش های دیپلماتیک چین برای حفظ مناسبات اقتصادی، روابط دو طرف رو به سردی گرایید. تحلیل ها بر مبنای نظریه بازی ها نشان می دهد که اگرچه سناریوی «همکاری - همکاری» برای هر دو طرف مطلوب ترین حالت است، اما وابستگی ساختاری اسرائیل به آمریکا و تغییر توازن قوای منطقه ای، چین را وادار به تغییر استراتژی پیشین خود کرده است؛ در نتیجه، پکن با ترجیح منافع ژئواکونومیک و راهبردی، به سمت تقویت و تثبیت روابط خود با ایران حرکت کرده است که این امر روابط چین و اسرائیل را به سوی وضعیت «تعارض - تعارض» سوق می دهد.

واژگان کلیدی: اسرائیل، همکاری و تعارض، نظریه بازی ها، چین، ایران.

سرآغاز

با پایان دوران رهبری مائو زدوونگ در چین و روی کار آمدن دنگ شیائوپینگ، زمینه‌های ورود چین به بازارهای منطقه‌ای از جمله غرب آسیا فراهم شد. در این منطقه، دنگ با تاکتیک مبتنی بر اصول مدیریتی خود یعنی «پنهان کردن قدرت و منتظر زمان بودن» به دنبال جایگاه‌یابی آرام و تدریجی برای چین بود. او تلاش می‌کرد تا بدون درگیر شدن مستقیم در رقابت‌های سیاسی و تنش‌های پیچیده غرب آسیا، بستر لازم برای حضور بلندمدت و تأثیرگذار آینده چین در منطقه و جهان فراهم کند. در نتیجه آن، افق‌های تازه‌ای از همکاری بر روی شرکای منطقه‌ای خود گشود. پس از آن، با روی کار آمدن جیانگ زمین و هو جین‌تائو، روند نفوذ آهسته و دور از واکنش چین در غرب آسیا تداوم یافت و بستری را فراهم کرد تا در زمان شی جین‌پینگ و در رأس قرار دادن راهبرد تعادل استراتژیک میان بازیگران منطقه، چین به‌عنوان یکی از بازیگران تأثیرگذار در غرب آسیا جایگاه حائز اهمیتی پیدا کند و از آنجا که این کشور، از قدرت کافی نسبت به دیگر بازیگران منطقه از جمله آمریکا برخوردار نبود تلاش کرد با اتخاذ سیاست خارجی مبتنی بر «تعادل استراتژیک»، منافع اقتصادی، انرژی و فناوری خود را در منطقه حفظ و گسترش دهد.

با این حال این رویکرد، چین را در موقعیتی پیچیده در مثلث روابط تهران-پکن-تل‌آویو قرار داد؛ جایی که از یک‌سو، روابط استراتژیک با جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های انرژی و نظامی تقویت شده و از سوی دیگر، همکاری‌های فناورانه و اقتصادی گسترده با رژیم صهیونیستی ادامه یافته است. با این حال، عملیات طوفان الاقصی و پس از آن جنگ ۱۲ روزه میان رژیم صهیونیستی و ایران در ژوئن ۲۰۲۵ که با حملات پیش‌دستانه رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای و موشکی ایران آغاز شد و به آتش‌بس شکننده‌ای ختم شد، این تعادل را به چالش کشید؛ بر این اساس این پرسش بنیادین مطرح می‌شود که آیا چین در پی تحولات اخیر، راهبرد سنتی خود

مبتنی بر توازن استراتژیک را دستخوش تغییر کرده است یا همچنان در چارچوب گذشته باقی مانده و صرفاً به باز تنظیم تاکتیکی رفتار خود مبادرت ورزیده است؟

بر این مبنا، فرضیه نویسندگان این است که با توجه به تحلیل مثلث روابط چین-اسرائیل-ایران، بر اساس نظریه بازی ها و تحلیل عملکرد آنان با نرم افزار گمبیت، اگرچه الگوی همکاری-تعارض پیش از جنگ اکتبر همواره اولویت استراتژیک چین محسوب می شود، اما با توجه به تحولات اخیر، این الگو به سمت الگوی تعارض-تعارض نسبی حرکت کرده است که این امر، فرصت های مطلوبی همچون افزایش هم افزایی با ایران و جهان عرب که منبع اصلی انرژی در غرب آسیاست را در اختیار پکن قرار داده است. در نتیجه، می توان چنین استنباط کرد که در این مثلث روابط، علاوه بر سایه آمریکا، ایران نیز به عنوان یکی از پیشران های حائز اهمیت در نوع روابط چین و اسرائیل نقش اساسی پیدا کرده است.

بر این اساس، در این فصل با بهره گیری از چارچوب نظری «همکاری-تعارض» و تحلیل داده ها به واسطه نرم افزار Gambit، رفتار راهبردی چین در این مثلث مدل سازی می شود تا به تبیین پیچیدگی های مثلث روابط چین-ایران-رژیم صهیونیستی بپردازد. این فرایند مدل سازی، افزون بر آشکار ساختن الگوهای محتمل کنش راهبردی پکن در قبال هر یک از طرفین، در پی آن است تا به این پرسش بنیادی نیز پاسخ دهد که آیا چین در پی تحولات اخیر، راهبرد سنتی خود مبتنی بر توازن استراتژیک را دستخوش تغییر کرده است یا همچنان در چارچوب گذشته باقی مانده و صرفاً به باز تنظیم تاکتیکی رفتار خود مبادرت ورزیده است.

در این جهت، ابتدا به مروری بر تاریخچه روابط دوجانبه چین-رژیم صهیونیستی و چین-ایران پرداخته می شود. سپس مؤلفه های راهبردی همکاری های فناورانه و نظامی بررسی می شود و جایگاه ژئوپلیتیک رژیم صهیونیستی در ابتکار کمربند و راه و مسئله فلسطین تحلیل می شود. در نهایت، با تمرکز بر دوران پس از عملیات طوفان

الاقصی و جنگ ۱۲ روزه ۲۰۲۵ به مدل‌سازی و طراحی سناریوهای احتمالی با استفاده از تعادل نش^۱ پرداخته می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در زمینه «ظرفیت فناوری نظامی چین و تأثیر افزایش مراودات نظامی میان ایران و چین بر روابط چین و رژیم صهیونیستی» را می‌توان به‌طور کلی به دو دسته اصلی تقسیم کرد: دسته نخست، شامل آثاری است که عمدتاً در قالب اسناد راهبردی، گزارش‌های اندیشکده‌ای و تحلیل‌های رسمی منتشر شده و به بررسی روند مدرن‌سازی ارتش چین، راهبرد «ادغام نظامی-مدنی» و توسعه ظرفیت‌های فناوریانه دفاعی این کشور می‌پردازند و بخش اعظم آن‌ها جنبه توصیفی دارند. دسته دوم نیز پژوهش‌هایی را در برمی‌گیرد که به روابط چین و رژیم صهیونیستی و پیامدهای گسترش همکاری‌های ایران و چین بر مناسبات پکن و تل‌آویو توجه دارند. این آثار، بیش از آنکه به جنبه‌های فنی بپردازند، بر ابعاد ژئوپلیتیک، انتقال فناوری‌های حساس و تأثیر تعاملات سیاسی و اقتصادی بر جهت‌گیری‌های امنیتی چین در خاورمیانه متمرکزند. بر این اساس، در ابتدا به بررسی برخی از آثار دسته نخست و پس از آن، به موشکافی پژوهش‌های دسته دوم پرداخته می‌شود.

عباسی و هاشمی (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل تأثیرگذار بر روابط جمهوری خلق چین و اسرائیل (۲۰۲۰-۲۰۱۳)» به بررسی روابط چین و اسرائیل با چارچوب نظری نهادگرایی نئولیبرال پرداخته‌اند؛ در این راستا، نویسندگان معتقدند برخی عوامل همچون طرح «یک کمربند-یک راه»، افزایش نقش و ارتقای جایگاه چین در اقتصاد جهانی، مکمل بودن اقتصادی دو طرف و نیاز اسرائیل به تنوع‌بخشی شرکای بازرگانی، موجب پیش برد روابط دوجانبه در بازه مورد اشاره بوده است. این پژوهش، از نوع

مقالات توصیفی-تحلیلی است و از روش پژوهش کیفی مبتنی بر پردازش داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای بهره‌برداری شده است؛ اما در پژوهش صورت گرفته، نقش فلسطین و کشورهای عربی موردتوجه قرار نگرفته و به طور کلی از منابع قدیمی در توصیف مسئله استفاده شده است.

افراسیابان (2022) در کتابی با عنوان نقش ایران در روابط چین و اسرائیل به طور جامع، به بررسی جنبه‌های استراتژیک روابط چین و اسرائیل و نقش ایران در این روابط پرداخته است. نویسنده از چارچوب نظری موازنه قوا و رویکرد توصیفی-تحلیلی و درنهایت، روش کیفی استفاده کرده است. فرضیه نویسنده این است که ملاحظات چین نسبت به موازنه قوا در خاورمیانه از یک‌سو، میان بازیگران اصلی منطقه همچون ایران و اسرائیل، همچنین ملاحظات استراتژیک چین به بازیگری ضدآمریکایی ایران در مقابل متحدان آمریکا در منطقه غرب آسیا ازجمله اسرائیل و از سوی دیگر، حفظ ایران به‌عنوان زنجیره تأمین با ثبات انرژی، روابط چین و اسرائیل را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما اگرچه نویسنده از منابع دست‌اول (تا سال ۲۰۲۲) استفاده کرده است، اما در این پژوهش به بررسی اهمیت فلسطین در جهان عرب (به‌عنوان منبع انرژی چین) توجه نکرده است و با توجه به شروع عملیات ۷ اکتبر و جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل تأثیرات عظیمی بر نوع روابط این دو بازیگر ایجاد شده که زمینه بررسی مجدد آن‌ها را فراهم کرده است.

بزرگمهری و عرشیا (2022) در مقاله‌ای با عنوان «روابط چین و اسرائیل در سه دهه اخیر (۱۹۹۰-۲۰۲۰)»: حوزه‌های همگرایی و واگرایی» به بررسی این فرضیه می‌پردازد که اسرائیل در ایجاد روابط سیاسی و دیپلماتیک با پکن اهداف متنوعی دارد که شامل ارتقا موقعیت و اعتبار بین‌المللی اسرائیل، تأثیر گذاشتن بر مواضع و دیدگاه‌های خاورمیانه‌ای چین، حضور در بازار بزرگ نظامی و اقتصادی، فشار در راستای کاهش و یا توقف همکاری‌های نظامی تهران - پکن و همچنین سوق دادن چین به تلاش برای کاهش همکاری‌های کره شمالی - ایران؛ چین نیز از تعاملات با اسرائیل اهدافی را دنبال

می‌کند که شامل ارتقا سیاست خاورمیانه‌ای چین و کمک به حل بحران فلسطین، تلاش در مسیر قطع و یا کاهش روابط سیاسی تایوان - اسرائیل، کسب فن‌آوری‌های پیشرفته غربی در صنایع نظامی و کشاورزی و... می‌شود. در این پژوهش، از نظریه وابستگی متقابل و روش تحقیق کیفی استفاده شده است؛ اما نویسندگان به طور کلی، مسئله فلسطین را به طور سطحی مورد بررسی قرار داده است و منابع مورد استفاده از منظر زمانی اعتبار کافی نداشته‌اند، همچنین به دلیل وقوع عملیات هفت اکتبر و جنگ دوازده روزه، تغییر حائز اهمیتی در ادراک چین نسبت به شرکای راهبردی خود در منطقه ایجاد شده است که با توجه به زمان نگارش این مقاله، موردتوجه قرار نگرفته است.

سوبول^۱ (2022) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر ایالات متحده بر روابط اسرائیل و چین: گذشته، حال و آینده^۲» معتقد است اسرائیل با چالش پیچیده‌ای روبه‌روست: از یک‌سو، جذب سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی چین و از سوی دیگر، حفظ روابط راهبردی با ایالات متحده. این وضعیت، آزمونی برای سیاست خارجی اسرائیل در مواجهه با فشارهای فزاینده بین دو قدرت بزرگ جهانی است. نویسنده از چارچوب نظری مشخصی استفاده نکرده است، اما به دلیل استفاده از منابع دست‌اول، این مقاله از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

هاوتان و دالی^۳ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «تجارت در برابر امنیت: روابط امنیتی چین و اسرائیل در بازی سه‌جانبه^۴» از چارچوب مفهومی «دوراهی تجارت در برابر امنیت» برای درک توسعه روابط امنیتی چین و اسرائیل از اواخر دهه ۱۹۷۰ استفاده می‌کند. با توجه به اینکه چین تهدیدی برای امنیت ملی اسرائیل محسوب نمی‌شود و حجم تجارت دوجانبه چین و اسرائیل بخش قابل‌توجهی از کل تجارت اسرائیل را تشکیل می‌دهد، اسرائیل علاقه‌مند به حفظ روابط امنیتی و انتقالات نظامی به چین

1. Mor Sobol

2. The Impact of the US on Israel-China Relations: Past, Present, and Future

3. Haotan Wu & Dalei Jie

4. Trade versus Security: Sino-Israeli Security Relations in a Game of Three Players

است. با این حال، این سناریو نقش تعیین‌کننده ایالات متحده را در شکل‌دهی مسیر روابط امنیتی چین و اسرائیل نادیده می‌گیرد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که روابط امنیتی چین و اسرائیل عمدتاً تحت تأثیر توسعه روابط چین و آمریکا قرار دارد. زمانی که ایالات متحده دلایل استراتژیک برای تقویت توانایی‌های نظامی چین داشته باشد، به اسرائیل نیز اجازه خواهد داد روابط امنیتی با چین برقرار کند.

اورون^۱ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «بعد اقتصادی روابط چین و اسرائیل پیامدهای سیاسی، نقش‌ها و محدودیت‌ها» معتقد است روابط اقتصادی بین چین و اسرائیل، پس از فروپاشی همکاری‌های نظامی در اوایل دهه ۲۰۰۰ به دلیل فشارهای آمریکا، به محور اصلی روابط دو کشور تبدیل شد. چین به دنبال فناوری پیشرفته و اسرائیل به دنبال بازارهای صادراتی بود، اما نتایج این روابط اقتصادی متناقض بوده است. درحالی‌که تجارت، سرمایه‌گذاری و پروژه‌های زیرساختی پیشرفت‌هایی داشته‌اند، موانعی مانند محدودیت صادرات فناوری به چین به دلیل توافقات اسرائیل و آمریکا و نگرانی از پیامدهای سیاسی این همکاری‌ها باقی مانده است.

همچنین در دسته‌ای از آثاری که به بررسی ظرفیت نظامی چین پرداخته است نیز می‌توان به مقالات و پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

بوماکانتی و سینگ^۳ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «نوسازی نظامی چین: روندهای اخیر-۲۰۲۴»^۴ به بررسی روندهای تاریخی اصلاحات در حوزه نظامی چین می‌پردازد. در این پژوهش که از نوع پژوهش‌های توصیفی محسوب می‌شود، نویسندگان معتقدند نوسازی نظامی چین، به‌ویژه از زمان رهبری شی جین‌پینگ، بخشی از راهبرد کلان پکن برای تبدیل شدن به قدرتی فناورانه و نظامی در رقابت با ایالات متحده است. آن‌ها تأکید

1. Yoram Evron

2. The economic dimension of China-Israel relations: political implications, roles and limitations

3. Kartik Bommakanti & Satyam Singh

4. China's Military Modernisation: Recent Trends - 2024

می‌کنند که اصلاحات ساختاری سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶، ایجاد نیروهای جدیدی مانند نیروی پشتیبانی اطلاعاتی و ادغام فناوری‌های پیشرفته غیرنظامی در حوزه نظامی، بیانگر گذار چین از ارتشی کمی به ارتشی کیفی و فناور محور است. با این حال، پژوهش یادشده خاطرنشان می‌کند که چین هنوز در آغاز فرایندی دشوار برای تبدیل نوآوری‌های صنعتی به توان رزمی مؤثر قرار دارد و موفقیت کامل این طرح تضمین‌شده نیست. این مقاله، از مهم‌ترین منابع در شناخت ظرفیت فناوری نظامی چین در دوره کنونی به شمار می‌آید.

فانایول و هارت^۱ (۲۰۲۵) در گزارشی با عنوان «ارتش چین در ده نمودار»^۲ که توسط اندیشکده مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی (CSIS) منتشر شده است، روند نوسازی و گسترش ظرفیت‌های نظامی چین را در قالب داده‌های آماری و تحلیلی بررسی کرده‌اند. به اعتقاد نویسندگان، ارتش آزادی‌بخش خلق چین در دهه اخیر، از یک نیروی منطقه‌ای با تمرکز بر دفاع سرزمینی، به نیرویی مدرن و فناور محور با قابلیت عملیات مشترک و فرا منطقه‌ای تبدیل شده است. آنان با استناد به شاخص‌های کمی از جمله رشد بودجه دفاعی، توسعه نیروی دریایی و هوایی، گسترش زرادخانه موشکی و افزایش ماهواره‌های نظامی، نتیجه می‌گیرند که چین در مسیر تبدیل شدن به یک قدرت نظامی پیشرفته گام برمی‌دارد. با این حال، این گزارش تأکید می‌کند که چالش‌هایی مانند فساد، وابستگی فناورانه و ناهماهنگی ساختاری، هنوز مانع تحقق کامل اهداف نوسازی نظامی چین است.

به طور کلی وجه تمایز پژوهش حاضر با مطالعات پیشین، در آن است که برخلاف آثار پیشین که هر یک به صورت جداگانه یا به صورت محدود به بررسی ظرفیت نظامی چین یا روابط چین و رژیم صهیونیستی پرداخته‌اند، این پژوهش تلاش می‌کند پیوندی میان این دو حوزه برقرار کند تا ضمن برخورداری از پایه توصیفی غنی، به تبیین علی

1. Matthew P. Funairole & Brian Hart
2. China's Military in 10 Charts

آن نیز بپردازد. پژوهش‌هایی مانند بومکانتی و سینگ (۲۰۲۴) و فانایول و هارت (۲۰۲۵) بیشتر بر روند نوسازی و توسعه فناوری‌های نظامی چین تمرکز دارند و جنبه توصیفی و درون‌زا، از قدرت نظامی این کشور ارائه می‌دهند؛ درحالی‌که آثاری چون افراسیابان (۲۰۲۲)، بزرگمهری و عرشیا (۲۰۲۲) و اورون (۲۰۱۸) روابط چین و رژیم صهیونیستی را از منظر سیاسی و اقتصادی بررسی کرده‌اند؛ بنابراین تمایز اصلی کار حاضر در ترکیب این دو رویکرد و تحلیل تأثیر ظرفیت‌های فناورانه نظامی چین بر گسترش توان نظامی ایران و بازتاب آن بر روابط پکن و تل‌آویو است. بدین ترتیب، این پژوهش ضمن بررسی فنی و راهبردی فناوری‌های نظامی چین، با استفاده از نظریه بازی‌ها، به تحلیل رفتار استراتژیک پکن در تعامل میان تهران و تل‌آویو می‌پردازد؛ امری که تاکنون در هیچ‌یک از مطالعات پیشین به‌صورت هم‌زمان و نظام‌مند موردتوجه قرار نگرفته است.

۲. چارچوب نظری: همکاری-تعارض؛ الگویی در جهت همکاری با دشمنان

از نظر رئالیست‌ها، آن چیزی که تعارض را میان دولت‌ها ایجاد می‌کند آنارشی است و این امر مانع اراده آن‌ها در جهت همکاری حتی در هنگامی می‌شود که منافع مشترکی در میان بازیگران وجود دارد؛ بنابراین در این نظام آنارشیک، امکان همکاری بسیار محدود است؛ زیرا با وجود اینکه دولت‌ها ممکن است از همکاری و همگرایی سود ببرند؛ اما در یک سیستم خودیار مبتنی بر آنارشی، ملاحظات امنیتی، منافع اقتصادی را تابع منافع سیاسی می‌کند (Waltz, 1979: 107). از این‌رو، محدودیت همکاری در نظام آنارشیک صرفاً ناشی از نبود مرجع اقتدار مرکزی نیست، بلکه ریشه در منطق خودیاری دارد که دولت‌ها را وادار می‌کند پیامدهای نسبی همکاری را از منظر امنیتی ارزیابی کنند. در چنین شرایطی، حتی زمانی که همکاری منافع مشترک ایجاد می‌کند، دولت‌ها بیش از منافع مطلق، نگران توزیع منافع و پیامدهای آن هستند. در نتیجه، هر دولت

نگران توزیع منافع احتمالی ناشی از تخصیص بیشتر است و بیم آن دارد که مبادرت به همکاری، به وابستگی به دیگران و درنهایت تضعیف موقعیت امنیتی‌اش منجر شود (Waltz, 1979: 106)؛ زیرا رئالیست‌ها معتقدند، وابستگی و آسیب‌پذیری دو روی یک سکه هستند. در یک سیستم خودیار، دولت‌ها می‌خواهند آنچه را که به آن وابسته‌اند کنترل کنند، حاکمیت و استقلال خود را حفظ کنند و به نیات و حسن نیت دیگر دولت‌ها برای امنیت خود تکیه نکنند (Griffiths, 1992:83). بنابراین، در یک نظام آنارشیک، منطق خودیاری بر همکاری و وابستگی متقابل ناشی از آن اولویت می‌یابد. در چنین نظامی، به دلیل فقدان یک مرجع اقتدار مرکزی معتبر برای وضع، نظارت و اجرای قواعد رفتاری، دولت‌ها نمی‌توانند امنیت خود را به سازوکارهای جمعی واگذار کنند. از این‌رو، هر دولت ناگزیر است بقا و امنیت خویش را بر توانمندی‌هایی که خود ایجاد می‌کند و ترتیباتی که به‌طور مستقل سامان می‌دهد، بنا نهد.

با این حال در مقابل، نئولیبرال‌ها استدلال می‌کنند که نهادهای بین‌المللی، توانایی تسهیل و ایجاد همکاری را در نظم بین‌الملل دارند. نئولیبرال‌ها معتقدند دولت‌ها به دنبال به حداکثر رساندن منافع مطلق خود هستند و نسبت به منافع که دولت‌های دیگر کسب می‌کنند بی‌تفاوت‌اند. به نظر آن‌ها، فریبکاری و عدم اعتماد، بزرگ‌ترین مانع همکاری دولت‌های خودخواه است؛ اما همکاری بین‌المللی به‌عنوان فرآیندی تعریف شده است که در آن سیاست‌هایی که دولت‌ها به‌طور واقعی پیگیری می‌کنند، از سوی شرکای آن‌ها به‌عنوان تسهیل‌کننده تحقق اهداف خود در نظر گرفته می‌شود. این همکاری نتیجه هماهنگی سیاست‌ها است و شامل تنظیمات متقابل میان طرف‌ها می‌شود (Keohane, 1984:63) و می‌توانند از طریق ایجاد شناخت متقابل و کاهش احتمال فریبکاری مانع از افزایش تعارضات شوند.

در نتیجه، بزرگ‌ترین تفاوت نئورئالیست‌ها با نئولیبرالیست‌ها، در نوع نگاه آن‌ها به منافع در رابطه با دیگری است؛ نئورئالیست‌ها از آنجا که بر منافع نسبی اعتقاد دارند بزرگ‌ترین مانع همکاری را عدم تعهد بازیگران خودخواه به تعهدها و به دنبال آن عدم

اعتماد متقابل می‌دانند، درحالی‌که نئولیبرالیست‌ها اگرچه بر این امر واقف‌اند، اما نهادهای بین‌المللی را به‌عنوان ساختاری مستقل و نیمه‌مستقل از دولت‌ها مانعی اصلی خوی انسان می‌دانند؛ درحالی‌که نئورئالیست‌ها نهادها را به‌طور مستقل دارای هویت نمی‌دانند و آن‌ها را مکمل قدرت بازیگران می‌دانند. نئولیبرالیست‌ها همکاری را به معنای نبود اختلاف یا تعارض میان دولت‌ها نمی‌دانند. از نظر آنان، دولت‌ها معمولاً منافع متفاوت و گاه متعارض دارند و دقیقاً به همین دلیل به همکاری روی می‌آورند. همکاری زمانی شکل می‌گیرد که دولت‌ها می‌کوشند با وجود تعارض منافع، رفتارهای خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که به اهدافشان نزدیک‌تر شوند؛ بنابراین، همکاری نه نشانه هماهنگی کامل، بلکه ابزاری برای مدیریت و کنترل تعارض‌های موجود یا احتمالی میان دولت‌ها است (Keohane, 1984:53).

برآیند این منظره نظری نشان می‌دهد که روابط میان دولت‌ها را نمی‌توان صرفاً در دوگانه همکاری یا تعارض تبیین کرد. در عمل، دولت‌ها اغلب در شرایطی قرار می‌گیرند که نه امکان تعارض آشکار را دارند و نه می‌توانند به همکاری عمیق و پایدار تن دهند. از این‌رو، بسیاری از بازیگران دولتی به راهبردهایی روی می‌آورند که به‌طور هم‌زمان عناصر همکاری و رقابت را در خود جای می‌دهد؛ راهبردهایی که هدف آن‌ها مدیریت تعارض، کاهش هزینه‌های تقابل و بهره‌گیری گزینشی از فرصت‌های همکاری است. این منطق رفتاری را می‌توان در قالب رویکردهایی میان سطحی، همچون «تعادل استراتژیک»، فهم و تحلیل کرد.

تعادل استراتژیک به الگوی خاصی از همکاری اطلاق می‌شود که هدف آن نه رفع یا حذف تعارض، بلکه مدیریت تعارض و کاهش آسیب‌پذیری‌های راهبردی است. در این چارچوب، همکاری و تعارض نه به‌عنوان دو وضعیت متضاد، بلکه به‌عنوان دو مؤلفه هم‌زمان تعامل میان دولت‌ها در نظر گرفته می‌شوند. از این منظر، چارچوب همکاری-تعارض امکان تبیین الگوهایی از کنش متقابل را فراهم می‌کند که در آن دولت‌ها، حتی در شرایط تنش ساختاری و سطح بالای عدم قطعیت، به همکاری‌های

محدود، گزینشی و دوجبهی با شرکای راهبردی خود روی می‌آورند. به عبارتی دیگر، می‌توان چنین تبیین کرد که در چنین وضعیتی، بازیگران در میان شکاف‌های منطقه‌ای دست به تصمیم‌گیری می‌زنند و بر این اساس که جمهوری خلق چین، رژیم صهیونیستی را به‌عنوان «شریک جامع نوآورانه» و جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان «شریک جامع راهبردی» خود تعریف کرده است.

چین در مواجهه با دو بازیگری که در یک وضعیت تعارض ساختاری پایدار قرار دارند، نه به قطع همکاری با یکی و ترجیح مطلق دیگری روی می‌آورد و نه روابط خود را به حوزه‌ای کاملاً عاری از ملاحظات امنیتی تقلیل می‌دهد، بلکه با تفکیک سطوح، حوزه‌ها و کارکردهای همکاری، تلاش می‌کند منافع خود را در هر دو رابطه حفظ کند. در چنین چارچوبی، همکاری به معنای حذف یا نادیده گرفتن تعارض نیست، بلکه ابزاری برای مدیریت آن و جلوگیری از تبدیل اختلافات به تعهدات پرهزینه یا آسیب‌پذیری‌های راهبردی تلقی می‌شود؛ زیرا چین در فرآیند تصمیم‌گیری خود صرفاً با موازنه میان دو بازیگر کلیدی منطقه‌ای مواجه نیست، بلکه ناگزیر است پیامدهای تعامل با ایالات متحده آمریکا را نیز در محاسبات راهبردی خود لحاظ کند؛ به‌ویژه از آن رو که نزدیکی ساختاری و راهبردی واشنگتن با رژیم صهیونیستی، هرگونه تعمیق همکاری حساس با ایران را به متغیری مؤثر در معادله رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل می‌کند.

۳. روش پژوهش

معمای زندانی ارائه‌دهنده دسته‌ای از موقعیت‌های ساختاری از تعارض و همکاری میان کشورها است. دو بازیگر خود را در موقعیتی می‌بینند؛ هر یک باید تصمیم خود را بگیرد بدون آن‌که بداند بازیگر مقابل چه تصمیمی خواهد گرفت و بدون توجه به اینکه بازیگر مقابل چه کاری می‌کند. در این وضعیت، اگر از منظر دیدگاه نئورئالیست‌ها به رابطه بنگریم به علت تأکید بر منافع نسبی، خیانت، پاداش بیشتری از همکاری دارد؛ اما

اگر هر دو خیانت کنند، ضرر هر دو بیشتر از زمانی است که هر دو همکاری کنند (Axelrod, 1998: 7-8)؛ بنابراین در نتیجه این دیدگاه رئالیستی، تعارض حاصل می‌شود و بازی را بر پایه ترس و عدم اعتماد می‌بیند (Majeski & Fricks, 1995:623)؛ اما گروهی دیگر از اندیشمندان، مانند اندیشمندان نئولیبرالیست معتقد هستند که اگر تضادهای امنیتی و اقتصادی تکرار شوند ممکن است روابط، حالتی همکاری جویانه پیدا خواهد کرد و یا به عبارتی دیگر، بازیکنان با تکرار و برقراری ارتباط مکرر، میزان سود ناشی از همکاری را درک خواهند کرد (Majeski & Fricks, 1995:624).

جدول ۱: همکاری و خیانت در چارچوب نظریه معمای زندانی

بازیکن ردیف \ بازیکن ستون	همکاری (Cooperate)	خیانت (Defect)
همکاری (Cooperate)	$R = 3, R = 3$ R پاداش برای همکاری متقابل	$S = 0, T = 5$ S پرداخت ساده‌لوح و T وسوسه به خیانت
خیانت (Defect)	$T = 5, S = 0$ T وسوسه به خیانت و S پرداخت ساده‌لوح	$P = 1, P = 1$ P تنبیه برای خیانت متقابل

همان‌طور که در جدول بالا نمایش داده شده است؛ اگر هر دو بازیکن همکاری کنند، هر دو به‌خوبی عمل کرده‌اند و هر دو مقدار R را برای همکاری دریافت می‌کند؛ اما اگر یک نفر خیانت کند و یک نفر همکاری، بازیکن خیانت‌کار، پاداش بیشتر یعنی مقدار T و بازیکن همکاری کننده پاداش قربانی S (کمتر) را می‌گیرد (Axelrod, 1998:8). در این وضعیت، بازیکن فقط می‌تواند از طریق تکرار رفتار خود با بازیکن دیگر ارتباط برقرار کند؛ یعنی آنچه امکان‌پذیر بودن همکاری را محقق می‌کند، ملاقات مجدد است؛ بنابراین آینده می‌تواند سایه‌ای بر حال بیفکند و این موقعیت

استراتژیک را تحت تأثیر قرار دهد، اما آینده اهمیت کمتری نسبت به حال دارد؛ به این دلیل که بازیکن‌ها تمایل دارند پاداش را در زمان حال دریافت کند زیرا با گذشت زمان ارزش آن کمتر می‌شود. همچنین شاید احتمال این وجود داشته باشد که بازیکن‌ها دیگر همدیگر را ملاقات نکنند (Axelrod:1998:12)؛ زیرا محیط می‌تواند بر وضعیت بازیکنان تأثیر بگذارد. بر این اساس، بهترین روش برای تبیین روابط بر اساس همکاری-تعارض در تئوری بازی‌ها، استفاده از نرم‌افزار گمبیت است.

این نرم‌افزار با استفاده از داده‌های کمی، توانایی محاسبه تعادل نش و ترسیم ماتریس بهترین سناریو را برای بازیگران دارد؛ از این منظر، نویسنده به بررسی محورهای همکاری و تعارض در این روابط می‌پردازد و با نمره دهی نسبی به اهمیت هر یک از محورهای مورد بررسی، با استفاده از داده‌های مستدل و به شبیه‌سازی رفتار بازیگران و تحلیل نتایج تعادل‌های خالص^۱ و مختلط^۲ می‌پردازد. این ابزار با ارائه سناریوهای مختلف، به پژوهشگران کمک می‌کند تا اثرات احتمالی تصمیمات بازیگران را پیش‌بینی کنند؛ بنابراین، استفاده از این ابزار در تحلیل روابط میان بازیگران بین‌المللی یا اقتصادی، زمینه‌ای برای فهم عمیق‌تر همکاری و تعارض در محیط‌های استراتژیک به وجود می‌آورد.

۴. تاریخ ارتباطات تمدن چین و یهود؛ فراز و فرود آن‌ها

تجار یهودی احتمالاً برای اولین بار، در اواخر قرن هشتم یا اوایل قرن نهم وارد چین شدند. آن‌ها با کشتی سفر کرده و در جنوب، در کانتون^۳ (گوانگژو^۴)، به همراه اعراب به تجارت پرداختند و بدون شک در شمال، در پایتخت چین، چانگ‌آن^۵، نیز فعالیت‌هایی

-
1. Pure Strategies
 2. Mixed Strategies
 3. Canton
 4. Guangzhou
 5. Chang'an

داشتند، جایی که از طریق خشکی از آسیای مرکزی و ایران به آنجا می‌رسیدند. تا قرن نهم، چانگ آن شهری چندملیتی بود که دو بازار بزرگ داشت؛ یکی از این بازارها برای تجار بین‌المللی در نظر گرفته شده بود. تجار گوناگون و هنرمندان از طریق خشکی به چانگ آن می‌آمدند. در میان آن‌ها ایرانیان و دیگر مردمان از مناطق دور غرب و همچنین یهودیان حضور داشتند؛ هرچند شواهدی از ایجاد یک جامعه یهودی دائمی یا ورود آنان به تعداد زیاد در دست نیست (Eber, 2020: 6). یهودیان کایفنگ، ضمن استفاده از اصطلاحات چینی، از هرگونه ارتباط مستقیم باورهای خود با ادیان چینی اجتناب کردند. کتیبه‌ها ابزاری برای تمایز از جامعه نبودند، بلکه نشان می‌دادند که چگونه یهودیان بخشی از جامعه کایفنگ بودند و در عین حال هویت یهودی خود را حفظ کردند (Eber, 2020: 7).

علاوه بر کایفنگ، بخش اعظمی از یهودیان وارد شانگهای شدند؛ در سال ۱۸۴۲، شانگهای یک شهر دیوارکشی شده و مرکز شهرستانی بود که مؤسسات اداری و مذهبی مورد انتظار، چنین شهرهایی را در خود جای داده بود. شانگهای در قرن نوزدهم شهری ثروتمند با ساکنانی مرفه بود که عمدتاً از تجارت گسترده پنبه سود می‌بردند. قایق‌های چینی از مناطق مختلف در بندر شانگهای توقف می‌کردند و حضور بازرگانان از مناطق مختلف، از همان زمان به این شهر رنگ‌وبویی جهان‌وطنی داده بود. از نخستین مهاجران یهودی در نیمه دوم قرن نوزدهم، یهودیان سفاردی^۱ یا بغدادی بودند که عمدتاً از طریق بمبئی^۲ به شانگهای آمدند. خانواده ساسون^۳، یکی از برجسته‌ترین گروه‌های بغدادی، در این دوران دو شرکت تجاری بزرگ^۴ تأسیس کردند (Eber, 2020: 14).

در شانگهای، چند موج متفاوت از مهاجرت یهودیان شکل گرفت. ابتدا، یهودیان بغدادی آمدند که از نظر اقتصادی مرفه‌تر بودند. پس از آن، یهودیان روسی عمدتاً بعد

1. Sephardi

2. Bombay

3. Sassoon

4. D. Sassoon and Co. and E. D. Sassoon and Co.

از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ وارد شدند و در دهه ۱۹۳۰ با جمعیتی حدود ۶ تا ۸ هزار نفر، جامعه‌ای بزرگ‌تر از بغدادی‌ها تشکیل دادند، هرچند سطح رفاهشان پایین‌تر بود. این گروه، از نظر زبانی و فرهنگی مستقل عمل می‌کرد و بسیاری از آن‌ها فقیر مانده و در مناطق ارزان‌قیمت مانند هنگکو ساکن شدند. آخرین موج مهاجرت، یهودیان آلمانی و سپس اتریشی بودند که پس از ۱۹۳۸ به شانگهای پناه آوردند. در همین دوره، شمار روس‌های سفید غیر یهودی حتی از همه جوامع یهودی بیشتر شد. در میان این گروه‌ها، تنها یهودیان سفاردی بودند که به‌طور فعال به ایجاد ارتباط با دیگر جوامع یهودی چین پرداختند و با تأسیس انجمن نجات یهودیان چینی در ۱۹۰۰، به مطالعه و حفظ میراث یهودیان کایفنگ توجه نشان دادند (Eber, 2020: 43).

درحالی‌که روابط رسمی بین اسرائیل و چین میان دو سرافراطی در نوسان بود، یک روایت غیررسمی و پنهانی نیز در پس‌زمینه رخ می‌داد. سازمان‌ها و احزاب سیاسی مختلف تلاش کردند تا روابط میان جامعه اسرائیلی و چینی را عمدتاً از طریق بازدید اسرائیلی‌ها از چین تقویت کنند. بیشتر این بازدیدکنندگان اسرائیلی از اعضا یا هواداران احزاب چپ‌گرای سوسیالیستی و حزب کمونیست اسرائیل (در عبری به نام «ماکی»^۱ شناخته می‌شود) بودند و معمولاً نگاهی آمیخته با تحسین و شور فراوان نسبت به چین داشتند. در اکتبر ۱۹۴۹، حزب کمونیست اسرائیل از اعضای حزب کمونیست چین دعوت کرد تا هیئتی را به کنگره یازدهم خود که اولین کنگره پس از تأسیس اسرائیل بود، اعزام کنند. مائو ضمن تبریک به حزب کمونیست اسرائیل برای برگزاری کنگره، ابراز تأسف کرد که هنوز برای ارسال هیئتی از حزبش زود است. اگرچه نمایندگان چینی در این کنگره اسرائیل حضور نداشتند، اما فضای کنگره آکنده از روح موفقیت چین بود (Shai, 2019: 84).

بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۸، روابط چین و اسرائیل به‌طور محسوسی تیره شد. نقطه عطف این روند، کنفرانس باندونگ (۱۹۵۵) بود که چین در آن آشکارا در چارچوب همبستگی ضد امپریالیستی از اعراب و مسئله فلسطین حمایت کرد. پس از به رسمیت شناختن جمهوری خلق چین توسط مصر در ۱۹۵۶، روابط چین با جهان عرب تقویت شد. چین با افتتاح دفتر نمایندگی ساف در پکن (۱۹۶۵)، حمایت سیاسی خود را تثبیت کرد و در جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ نیز به‌صراحت در کنار اعراب ایستاد و اسرائیل را محکوم کرد. اگرچه چین کمک‌های نظامی محدودی به گروه‌های فلسطینی ارائه داد، اما این کمک‌ها به دلیل محدودیت‌های لجستیکی و رقابت با شوروی، تأثیر چندانی نداشت. در مجموع، مواضع تند چین علیه اسرائیل در این دوره بیش از آنکه ناشی از شناخت دقیق خاورمیانه باشد، ریشه در رقابت ایدئولوژیک با شوروی و تلاش برای افزایش نفوذ در جهان عرب داشت. درنهایت تا زمان روی کار آمدن دنگ شیائوپینگ^۱ ایدئولوژی کمونیستی، محور اصلی روابط این دو کشور محسوب می‌شد.

پس از مرگ مائو، هوا گوفنگ^۲ کنار گذاشته شد و جایگاه دنگ شیائوپینگ افزایش یافت. با کاهش تدریجی شدت انقلاب فرهنگی، فرصت جدیدی برای شاول آیزنبرگ^۳ در بازار عظیم چین فراهم شد. آیزنبرگ به پیشگام تجارت اسرائیل در بازار چین تبدیل شد؛ گروه شرکت‌های آیزنبرگ^۴ محصولات کشاورزی، فناوری‌های ارتباطی و طیف وسیعی از محصولات صنعتی اسرائیلی را به چین عرضه کردند. زیرساخت بی‌سابقه‌ای که آیزنبرگ در چین ایجاد کرد، همراه با ارتباطات او در بالاترین سطوح، راه را برای ورود صنایع نظامی اسرائیل به چین در اواخر دهه ۱۹۷۰ هموار کرد. در جریان نبردهای اولیه جنگ چین و ویتنام، ارتش چین متحمل شکست‌های سنگینی شد که به روحیه آن

1. Deng Xiaoping

2. Hua Guofeng

3. Shaul Eisenberg,

۴. یک تاجر و سرمایه‌گذار برجسته اسرائیل بود که نقش کلیدی در گسترش روابط تجاری میان اسرائیل و کشورهای آسیایی، به‌ویژه چین، ایفا کرد.

آسیب زد. در نتیجه، تکنولوژی نظامی اسرائیلی یکی از بهترین گزینه‌ها برای احیای نیروی نظامی قدیمی چین بود (Shai, 2019:118).

از سال ۱۹۷۹ تا دهه ۱۹۸۰، ارتباطات میان نهادهای نظامی اسرائیل و چین ادامه داشت، اما تجارت غیرمستقیم دو کشور بسیار محدود و حدود ۵۰ میلیون دلار در سال بود (به‌جز بخش نظامی) (Shai, 2019: 120). بعد از عادی‌سازی روابط در ۱۹۹۲ و مخصوصاً از ۱۹۹۹، تجارت مستقیم با سرعت بالا رشد کرد؛ چین به مهم‌ترین مقصد آسیایی صادرات اسرائیل تبدیل شد، شرکت‌های اسرائیلی در چین بیشتر شدند و پروژه‌های مشترک گسترش یافتند (Shai, 2019: 128). با این حال، فشار آمریکا در پرونده‌های پهپادهای «هاری» و رادار «فالكون» به دلیل نگرانی از انتقال فناوری‌های حساس باعث محدود شدن همکاری‌های نظامی شد و این محدودیت‌ها در چارچوب توافقاتی مثل DECA پیگیری شد. در نتیجه، چین که دومین واردکننده تسلیحات اسرائیلی پس از روسیه بود، با مشکل جدی در تأمین تسلیحات روبه‌رو شد و از آن به بعد، محور روابط دو کشور بیشتر به سمت همکاری‌های تجاری و غیرنظامی رفت.

۵. مؤلفه‌های راهبردی در روابط چین و اسرائیل

۵-۱. همکاری‌های دوجانبه در زمینه فناوری نوین و مدرن‌سازی

چین کشوری است که از دل آتش شورش‌های مختلف در طول سالیان دراز درآمده است؛ کشوری که چندین دهه با خاطرات جمعی جنگ با مغول‌ها و قدرت‌های استعمارگر در جنگ تریاک با چالش‌هایی اساسی روبه‌رو شد. این کشور یک عامل را اساس کار خود قرار داده؛ اینکه کشوری آسیب‌پذیر است. این ادراک از آسیب‌پذیری، به گفتمان امروز چین تبدیل شده است؛ درون‌مایه بقا، مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری الگو حکمرانی این کشور در قرن بیست و یکم شده است. الزام حفظ بقا، عامل

شکل‌گیری سیاست‌های عقلانی و تلاش در جهت دستیابی به فناوری نوین و مدرن سازی در چین امروز است.

بر این مبنا بود که دستیابی به فناوری‌های جدید، توسط تصمیم‌گیرندگان سیاسی در دستور کار قرار گرفت که تجلی آن، سیاست «ساخت چین ۲۰۲۵»^۱ بوده است. **سیاست ساخت چین ۲۰۲۵** یک ابتکار استراتژیک است که به دنبال تضمین موقعیت چین به‌عنوان یک قدرت جهانی در صنایع پیشرفته و با فناوری بالا است. هدف اصلی این برنامه، کاهش وابستگی چین به واردات فناوری‌های خارجی و سرمایه‌گذاری سنگین در نوآوری‌های داخلی است تا شرکت‌های چینی قادر به رقابت در بازارهای داخلی و جهانی شوند (ISDP, 2018).

بنابراین در جهت دستیابی به این چشم‌انداز تحلیلگران و مقامات چینی، اسرائیل را بازیگری می‌دانستند که می‌تواند به چین در تسریع نوآوری بومی و تحقیق و توسعه (R&D) به‌ویژه در راستای مدرن‌سازی اقتصادی و نظامی کشور کمک کند؛ زیرا چین به سیاست‌ها، تجربیات و فناوری‌های اسرائیلی در زمینه‌های دفاع، امنیت، سایبری و مبارزه با تروریسم به‌عنوان ابزاری برای تقویت توانایی‌های نظامی و امنیت داخلی خود توجه داشت. بر این اساس در تاریخ ۲۱ مارس ۲۰۱۷، رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ با نخست‌وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو ملاقات کرد و اعلام کرد که دو کشور قصد دارند یک «شراکت جامع نوآورانه دوجانبه» برقرار کنند که شامل همکاری‌های دوجانبه در زمینه‌های انرژی پاک، کشاورزی، سرمایه‌گذاری، مالی، خدمات پزشکی و دیگر زمینه‌ها بود (MFA China, 2017).

۲-۵. سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه

1. Made in China 2025/MIC 2025

از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ میزان سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته میان دو بازیگر، رشد فزاینده‌ای داشت. بنا بر گزارش اندیشکده رند، نهادهای چینی حدود ۱۲.۹ میلیارد دلار در اسرائیل سرمایه‌گذاری کرده و در پروژه‌های ساختمانی به ارزش بیش از ۴ میلیارد دلار مشارکت داشته‌اند (RAND, 2019:82-83). این سرمایه‌گذاری‌ها، عمدتاً در بخش‌های فناوری و زیرساخت متمرکز بوده و بخشی از آن‌ها، شامل همکاری در پروژه‌های مانند گسترش بندر اشدود، ساخت و بهره‌برداری از ترمینال کانینتری جدید در بندر حیفا به مدت ۲۵ سال، ساخت مترو تل‌آویو، ساخت تونل‌های کارمل^۱ است. بخش‌های کشاورزی و فناوری، بزرگ‌ترین هدف‌های سرمایه‌گذاری چین بر اساس ارزش مالی بودند. به طوری که حدود ۵.۳ میلیارد دلار در بخش کشاورزی و ۵.۷ میلیارد دلار در بخش فناوری، سرمایه‌گذاری شده است؛ در مجموع، این دو بخش تقریباً ۸۷ درصد از کل سرمایه‌گذاری چینی‌ها در اسرائیل را تشکیل می‌دهند (RAND, 2019: 84). همان‌طور که در جدول ۲ و ۳ قابل مشاهده است: پیش از عملیات ۷ اکتبر، سرمایه‌گذاری دوجانبه در سطوح مختلف دولتی، خصوصی و عمومی صورت گرفته که نشان‌دهنده تمایل دو بازیگر در افزایش همکاری‌ها به‌خصوص در حوزه فناوری است.

جدول ۲: سرمایه‌گذاران چینی بر اساس نوع مالکیت

مالکیت	اطلاعات شرکت	شرکت چینی
نیمه‌دولتی	شرکت تجارت الکترونیک و خدمات اینترنتی	Alibaba
نیمه‌دولتی	شرکت خدمات وب که تحقیقاتی در زمینه هوش مصنوعی و توسعه خودروهای خودران انجام می‌دهد	Baidu
خصوصی	شرکت سرمایه‌گذاری در فناوری، رسانه و ارتباطات	China Broadband Capital Partners
دولتی	پروژه‌های زیرساختی جهانی، شامل بندر گوادر در	China Communications Construction Company

مالکیت	اطلاعات شرکت	شرکت چینی
	پاکستان و پروژه شهر بندر کلمبو در سریلانکا	
خصوصی	سرمایه‌گذاری در بیش از ۸۰ شرکت جهانی، عمدتاً در ایالات متحده و اسرائیل، تمرکز بر فناوری‌های تخریبی	Horizons Ventures Ltd. (هنگ‌کنگ)
خصوصی	شرکت تجهیزات شبکه و ارتباطات	Huawei Technologies Co., Ltd.
نیمه‌دولتی	شرکت تولید کامپیوتر شخصی و الکترونیک	Lenovo
نیمه‌دولتی	شرکت اینترنتی سازنده وی‌چت ^۱ ، اپلیکیشن رسانه اجتماعی با بیش از ۹۰۰ میلیون کاربر فعال ماهانه	Tencent
خصوصی	شرکت تولید گوشی‌های هوشمند و الکترونیک	Xiaomi
نیمه‌دولتی	شرکت تجهیزات شبکه و ارتباطات	ZTE Corporation

(Ella, 2019: 70-73)

جدول ۳: سرمایه‌گذاران چینی در شرکت‌های اسرائیلی

سرمایه‌گذاران چینی	اطلاعات شرکت	شرکت اسرائیلی
Bright Food (دولتی)	سهم Tnuva از بازار لبنیات اسرائیل در زمان خرید بیش از ۷۰ درصد بود (که از آن زمان به حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است).	Tnuva
Alibaba	شرکت امنیت سایبری که در شناسایی و پیشگیری از تهدیدات پیشرفته پایدار (APT) که معمولاً از سوی بازیگران سایبری دولتی هستند، تخصص دارد.	ThetaRay
GoCapital	استارت‌آپ امنیت سایبری که بر روی دستگاه‌های موبایل تمرکز دارد.	Kaymera
Huawei	شرکت IT و مخابرات؛ ماهیت رابطه Huawei با Toga نامشخص است.	Toga Networks

شرکت اسرائیلی	اطلاعات شرکت	سرمایه‌گذاران چینی
HexaTier	طبق گزارش رویترز، هوای از شرکت اسرائیلی HexaTier برای راه‌اندازی یک مرکز تحقیق و توسعه در اسرائیل با تمرکز بر امنیت پایگاه داده‌های ابری استفاده می‌کند.	Huawei
Singulariteam	صندوق سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر که هدف آن «متمرکز کردن سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه‌های جدیدی مانند یادگیری ماشین، هوش مصنوعی و رباتیک» است.	Tencent Holdings Renren
Carmel Ventures	یک صندوق سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر که بر حوزه‌هایی مانند: نرم‌افزارهای سازمانی و SaaS، هوش مصنوعی، زیرساخت‌های ابری، فین‌تک، فناوری‌های مرزی، داده‌های کلان، رسانه‌های دیجیتال، خدمات مصرف‌کننده و نیمه‌رساناها تمرکز دارد.	Ping-an, Baidu Qihoo Shengjing 360
Canaan Partners	یک صندوق سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر فعال در حوزه‌های SaaS و نرم‌افزارهای سازمانی، رایانش موبایل و زیرساخت‌های اینترنتی.	Lenovo Shengjing 360
Pitango	یکی از بزرگ‌ترین صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسرائیل؛ این صندوق در ۲۵۰ شرکت در سطح جهانی سرمایه‌گذاری کرده است.	Yongjin Group
JVP	شرکت سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر که بر روی امنیت سایبری.	Alibaba Yongjin Group

(Ella, 2019: 70-73)

بر این اساس، اسرائیل به‌عنوان پل دستیابی چین به تکنولوژی جدید، در جهت مدرن سازی بخش‌های مختلف آن و تحقق استراتژی ساخت چین ۲۰۲۵ نقشی اساسی در مراودات تجاری میان این دو بازیگر بازی می‌کرد و با استفاده از سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته، علاوه بر ایجاد تنوع در منابع مالی، از ارتباط با کارآفرینان و مهندسان چینی در جهت تسریع پیشرفت تکنولوژی و دستیابی به بازار چین، گام برداشته است.

با این حال، پس از آغاز عملیات هفتم اکتبر و جنگ دوازده روزه، گزارشی از خروج شرکت‌های بزرگی نظیر برایت فود، علی‌بابا، گوکاپیتال، هواوی، زدتی‌ای، تنسنت هولدینگز، رن‌رن، بایدو، پینگ‌آن، کی‌هوو، شنگجینگ ۳۶۰، لنوو، چاینا اوربرایت لیمیتد و یونگجین گروپ از بازار اسرائیل ارائه نشده است. با این حال، گزارش‌های مطرح شده توسط دولت چین، در بازه زمانی ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴ نشان می‌دهد چرخش مالی سرمایه‌گذاری چین در اسرائیل، روندی کاهشی داشته که نمایانگر توقف عملیات در این بازه زمانی است.

جدول ۴: روند سرمایه‌گذاری چین در اسرائیل از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴

Country/Region	2016	2017	2018	2019	2020	2021	2022	2023	2024
Israel	1,841.30	147.37	410.57	191.68	267.10	-470.14	279.86	174.02	-275.14

(Ministry of Commerce of the People's Republic of China & et al. (2024). Statistical bulletin of China's outward foreign direct investment)

با این حال، مجموع تجارت دو کشور کاهش حائز اهمیتی نداشته است؛ به طوری که از ۲۲,۸۳۳ میلیارد در سال ۲۰۲۱ به ۲۲,۶۳۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ رسیده است که حدوداً ۱۴ میلیارد آن، صادرات چین به اسرائیل است که این امر نشان‌دهنده، تمایل فزاینده چین در حفظ مناسبات راهبردی با وجود تعارضات موجود است.

۳-۵. همکاری‌های علمی - دانشگاهی

در مه ۲۰۱۴، به ابتکار وزارت امور خارجه اسرائیل و وزارت علم و فناوری چین، کمیته همکاری‌های نوآورانه تأسیس شد. به‌موجب این کمیته (که تنها اسرائیل توانسته است به این مکانیسم استراتژیک روابط دولت‌به‌دولت با چین دست یابد)، مجموعه همکاری‌های مشترک در زمینه‌های علمی - دانشگاهی میان این دو بازیگر ایجاد شده است.

همچنین تا آوریل ۲۰۱۶، اسرائیل چهار پردیس یا مؤسسه در چین تأسیس کرد و در مه ۲۰۱۴، دانشگاه تل‌آویو با دانشگاه تسینگ‌وا^۱ همکاری کرد تا مرکز شین^۲ را تأسیس کند؛ این مرکز، یک مرکز مشترک تحقیقاتی و آموزشی نوآورانه است که توسط دولت و بخش خصوصی، تأمین مالی می‌شد. در دسامبر ۲۰۱۵، مؤسسه فناوری تخنیون-اسرائیلی^۳ شروع به ساخت مؤسسه فناوری گواندونگ تخنیون-اسرائیلی^۴ (GTIIT) در شانتو^۵ کرد؛ اولین دانشگاه اسرائیلی در چین و یکی از تنها دو دانشگاه خارجی که اجازه تأسیس برنامه مستقل در چین را داشت. با تکمیل ساخت‌وساز GTIIT پذیرش اولین دانشجویان در تابستان ۲۰۱۷ شروع شد. همچنین در مارس و آوریل ۲۰۱۶، دانشگاه بن‌گوریون^۶ در نقب^۷ یک مرکز مشترک کارآفرینی و نوآوری با دانشگاه جی‌لین^۸ تأسیس کرد، درحالی‌که دانشگاه حیفا یک ساختمان آزمایشگاهی مشترک در پردیس دانشگاه نرمال شرق چین^۹ در شانگهای تأسیس کرد. این آزمایشگاه مشترک بر روی تحقیق در زمینه‌های بوم‌شناسی، داده‌های کلان، علوم پزشکی^{۱۰} و علوم عصب‌شناسی^{۱۱} به‌صورت تخصصی کار می‌کند و این ساختمان کاملاً توسط دولت چین تأمین مالی می‌شود (RAND, 2019: 72-73).

ازجمله اقدامات مشترک دیگر، ایجاد انجمن ۷+۷ بود که از هفت دانشگاه برتر هر کشور تشکیل می‌شد. در چارچوب این سازوکار، چین دانشگاه‌های اسرائیلی عضو این انجمن را به‌طور رسمی به رسمیت شناخت؛ اقدامی که نقش مهمی در تسهیل جذب

-
1. Tsinghua University
 2. XIN
 3. Technion-Israel
 4. Guangdong Technion-Israel
 5. Shantou
 6. Ben-Gurion University
 7. Negev
 8. Jilin University
 9. East China Normal University
 10. biomedicine
 11. neurobiology

دانشجویان و پژوهشگران چینی برای این دانشگاه‌ها داشت؛ در سال ۲۰۱۸، این شناسایی به سایر مؤسسات آموزش عالی اسرائیل نیز گسترش یافت. همچنین برنامه جامع مشترکی میان شورای آموزش عالی و شورای بورس‌های تحصیلی چین شکل گرفت که هدف آن اعطای صدها بورس تحصیلی به دانشجویان مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، پسادکتر و دوره‌های تابستانی در هر دو کشور بود. علاوه بر این، یک برنامه تحقیقاتی مشترک بین بنیاد علوم اسرائیل^۱ و همتای چینی آن NNSF راه‌اندازی شد که با سرمایه‌گذاری متقابل ده‌ها میلیون دلار، بیش از ۱۳۰ مطالعه مشترک در علوم پایه در بالاترین سطح را در دستور کار قرارداد (Shagrir, 2019: 16). بر اساس آخرین گزارش‌ها، این برنامه تا پایان ماه فوریه ۲۰۲۳ در حال اجرا بود؛ اما از ادامه روند این برنامه در سال‌های ۲۰۲۴-۲۰۲۵ شواهدی وجود ندارد (National Natural Science Foundation of China, 2023).

۴-۵. جایگاه ژئوپلیتیک اسرائیل در پروژه کمربند و راه

ابتکار کمربند و راه در سال ۲۰۱۳ به دستور رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ، با هدف پیوند دادن چین به آسیای شرقی و اروپا راه‌اندازی شد. در یک دهه پس از آن، این پروژه به آفریقا، اقیانوسیه و آمریکای لاتین گسترش یافت و تا سال ۲۰۲۳، ۱۴۷ کشور که دوسوم جمعیت جهان و ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می‌دهند، در این پروژه همکاری می‌کنند (McBride & Berman & Chatzky, 2023).

کمی پس از آن، پروژه RED-MED در مارس ۲۰۱۴ توسط کابینه وقت اسرائیل تصویب شد و زمینه شروع زمزمه‌هایی از اتصال این پروژه به پروژه کمربند و راه چین را فراهم کرد. با این حال، به دلیل سکوت راهبردی پکن در تأیید ادعای تل‌آویو در عین تعهد آن در توسعه زیرساخت بنادر حیفا و اشدود، به نظر می‌رسد، چین از ابتدا

همکاری با اسرائیل را در سایه آینده^۱ روابط با آمریکا تعریف کرده بود؛ زیرا موقعیت استراتژیک اسرائیل در مجاورت دریای مدیترانه و نیز نفوذ این کشور در مناسبات قدرت آمریکا سبب شد که این کشور موردتوجه فراوان چین قرار گیرد (Raeisi, 2022: 140-45). بنابراین با رونمایی از کلان پروژه کمربند و راه، اسرائیل و پس از آن چین، به صورت مبهم کوشید پیوند راهبردی خود را افزایش دهد.

پروژه راه آهن RED-MED بندر ایلات در دریای سرخ را به بندر اشدود در دریای مدیترانه متصل می کند. این راه آهن ۳۵۰ کیلومتری، شامل ۶۳ پل به طول ۴.۵ کیلومتر و پنج تونل به طول ۹.۵ کیلومتر است. قطارهای این خط راه آهن با سرعت ۲۵۰-۳۰۰ کیلومتر در ساعت حرکت کرده و پیش بینی می شود که هم مسافر و هم بار را جابه جا کنند. هزینه پروژه بیش از ۶.۵ میلیارد دلار پیش بینی شده، اما ممکن است این رقم به ۱۳ میلیارد دلار برسد. علاوه بر منافع صادراتی چین، راه آهن RED-MED می تواند برای صنعت گاز طبیعی اسرائیل نیز مفید باشد. با ایجاد یک خط لوله گاز طبیعی از ایلات به اشدود، گاز طبیعی اسرائیل می تواند از میدان های درحال توسعه در دریای مدیترانه استخراج شده و از طریق دریای سرخ به بازارهای آسیایی مانند چین و هند ارسال شود (Chaziza, 2016). همچنین این پروژه، زمینه افزایش همکاری میان اسرائیل و کشورهای منطقه مانند اردن با بندر عقبه^۲ و مصر با بندر سعید^۳ را فراهم می کرد.

ایجاد یک خط آهن که دریای سرخ را به دریای مدیترانه وصل کند، برای اسرائیل از اهمیت استراتژیک برخوردار است، زیرا این مسیر به عنوان جایگزینی برای کانال سوئز عمل خواهد کرد. همچنین برای بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، اهمیت استراتژیک این پروژه در این است که این امکان را فراهم می آورد تا اسرائیل به اقتصادهای در حال رشد و نوظهور کشورهای همچون چین و هند متصل شود (Levitt,

1. Shadow of future

2. port Aqaba

3. Port said

2014). در صورت بسته شدن کانال سوئز، بندر ایلات یک دارایی قوی برای اسرائیل محسوب می‌شود؛ زیرا مسیر جایگزین دور زدن آفریقا برای ورود به دریای مدیترانه بسیار گران است، درحالی‌که بندر ایلات می‌تواند یک جایگزین قابل‌لمس باشد که به اسرائیل این امکان را می‌دهد که استقلال خود را حفظ کند و از وابستگی به همسایگانش دور بماند (Lakhal& Mida, 2017:899).

در این جهت، با اعلام شرکت توسعه دارایی‌های بندری اسرائیل^۱، شرکت بین‌المللی بندر شانگهای^۲ موفق شد حق بهره‌برداری از ترمینال Bayport، بندر جدید کانتینری حیفا را برای مدت ۲۴ سال و ۱۱ ماه در سال ۲۰۱۵ در مناقصه‌ای برنده شوند (Sipgbayport, 2022). با این حال با روی کار آمدن بایدن در آمریکا، تلاش‌هایی در جهت افزودن بازیگران جایگزین با توجه به حساسیت حضور چین در منطقه صورت گرفت که این امر منجر به این شد که گروه آدانی^۳ هند در دهم ژانویه، اقدام به خرید بندر حیفا، بزرگ‌ترین بندر اسرائیل در دریای مدیترانه دست بزند که طبق اعلام وزارت دارایی اسرائیل این معامله به مبلغ حدود ۱.۲ میلیارد دلار بسته شده است (Mohnblatt, 2023).

همچنین لازم به ذکر است، همان‌طور که در نقشه شماره ۱ قابل مشاهده است؛ این پروژه از دو مسیر گذر می‌کند: مسیر نخست که از اقیانوس هند شروع می‌شود و به خلیج عدن و دریای سرخ می‌رسد، در ادامه از بندر ایلات با خط راه‌آهن صحرای نقب به بندر اشدود می‌رسد. دومین مسیر این پروژه که نوعی نماد همکاری در عین تعارض نیز محسوب می‌شود از راه‌آهن خلیج^۴ گذر می‌کند، این خط راه‌آهن از بندر فجیره امارات و دوقم عمان شروع می‌شود و با عبور از ابوظبی، به ریاض می‌رسد و در ادامه

1. IPC

2. Shanghai international port group

3. Adani Group

4. Gulf railway

با طی کردن مسیر تا مرز المفروق در مرز اردن و با رسیدن به پل ملک حسین در مرز اردن و اسرائیل، به بیسان در فلسطین اشغالی و در نهایت در بندر حیفا پایان می‌یابد.



نقشه ۱: مسیر اول و دوم راه آهن دریا سرخ-مدیترانه (از چپ به راست)

تجلی روابط بر پایه همکاری-تعارض در روابط چین با اسرائیل در این پروژه نهفته است؛ زیرا اگرچه سایه مخالفت ایالات متحده بر این همکاری مشاهده می‌شود، اما نیاز فزاینده چین به تأمین انرژی از این منطقه و نیاز اسرائیل در ورود به تجارت جهانی بر تعارض میان این دو بازیگر مانع ایجاد کرده است. همچنین با ورود هند در رقابت تجاری بندر حیفا و با وجود مشارکت چین در پروژه ترمینال حیفا در سال ۲۰۲۱ (The Times of israel, 2021) به نظر می‌رسد اگرچه اسرائیل به دنبال جلب رضایت متحد استراتژیک خود یعنی ایالات متحده بوده اما همچنین به دنبال قطع همکاری با چین تا سال ۲۰۲۳ نبوده است؛ در نتیجه اگرچه با معرفی پروژه IMEC این پروژه به حاشیه رانده شد اما تلاش‌های صورت گرفته در جهت تأسیس این راه‌گذر، نشان‌دهنده تمایل دو بازیگر به افزایش مشارکت‌های ژئواکونومیک با وجود پيشران‌های مبتنی بر تعارض بود.

۶. همکاری دوجانبه جمهوری اسلامی ایران با جمهوری خلق چین

دو تمدن بزرگ چین و ایران از دیرباز به واسطه راه ابریشم، روابط تجاری گسترده فرهنگی و اقتصادی داشتند، اما با حمله مغول و جایگزینی راه ابریشم زمینی با راه ابریشم دریایی، روابط میان این دو تمدن کاهش پیدا کرد. در دوران معاصر، روابط میان چین و ایران در دو حوزه اقتصادی- نظامی قابل مشاهده است. روابط نظامی چین و ایران از اوایل دهه ۱۹۸۰ و در زمان جنگ ایران و عراق آغاز شد. پس از انقلاب اسلامی و قطع روابط ایران و ایالات متحده، چین به یکی از تأمین‌کنندگان مهم تسلیحاتی تهران تبدیل شد. در این چارچوب، همکاری‌های نظامی دو کشور بیش از همه بر حوزه موشکی متمرکز بود. ایران در نتیجه این همکاری‌ها، بخشی از دانش فنی و زیرساخت‌های لازم برای تولید داخلی را از چین دریافت کرد و در مواردی نیز با دستیابی محدود به سامانه‌های تسلیحاتی چینی، مسیر مهندسی معکوس و بومی‌سازی این تجهیزات را دنبال کرد.

ایران برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ شروع به واردات موشک‌های ضد کشتی از چین کرد. در سال ۱۹۸۷، ایران موشک‌های کروز HY-2 Silkworm را از چین، از طریق کره شمالی دریافت کرد و در جریان جنگ نفت‌کش‌ها در جنگ ایران و عراق، از آن‌ها برای حمله به کویت و هدف قرار دادن یک نفت‌کش با پرچم ایالات متحده استفاده کرد. بر اساس برخی منابع، ایران بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۴ تعداد ۱۰۰ تا ۲۰۰ موشک کروز C801 (که به Ying Ji-81 یا Eagle Strike-81 نیز معروف است) از چین دریافت کرد. موشک C801 نسل دوم موشک‌های کروز چین بود و گفته می‌شود بر اساس سیستم موشکی Exocet فرانسه طراحی شده است (Gentry, 2013).

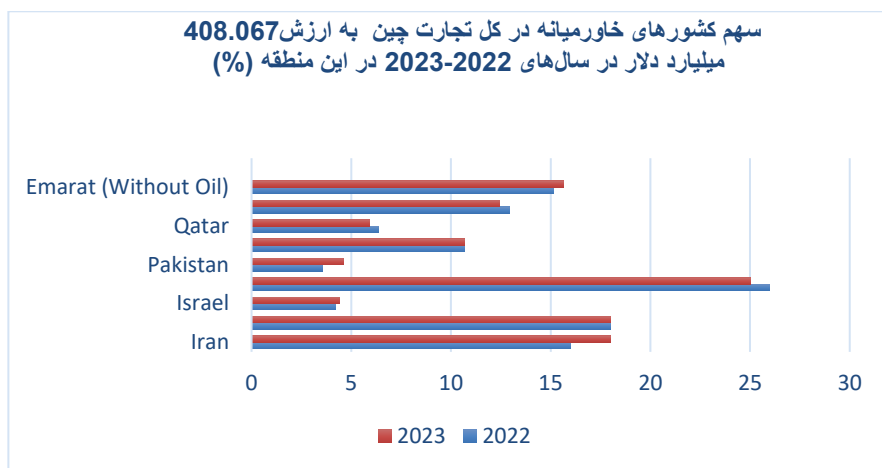
علاوه بر دریافت سیستم‌های موشکی ضد کشتی به طور مستقیم از چین، ایران از بسیاری از طراحی‌های موشکی چینی به‌عنوان پایه‌ای برای تولید داخلی سیستم‌های موشکی خود استفاده کرده است. برای مثال، موشک «نور» که از نمونه‌های C-801 و

C-802 الهام گرفته شده، یکی از نخستین موشک‌های ضد کشتی برد بلند ایران است که از اواخر دهه ۱۹۹۰ معرفی شد یا موشک «کوثر» که بر اساس C-701 و TL-10 طراحی شده و یک موشک ضد کشتی کوتاه برد با برد ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر است که از سال ۲۰۰۴ مورد استفاده قرار گرفت. موشک «نصر» که از C-704 الهام گرفته شده است از سال ۲۰۱۰ معرفی شد. موشک «قادر» که توسعه یافته خانواده C-802 و C-803 محسوب می‌شود، از سال ۲۰۱۱ به یکی از مهم‌ترین موشک‌های ضد کشتی ایران تبدیل شد. در نهایت، موشک «ظفر» که از ترکیبی از فناوری‌های C-704 و C-705 بهره می‌برد، از سال ۲۰۱۲ در چرخ تولید قرار گرفت.

ایران در اوایل دهه ۲۰۰۰ تعدادی قایق موشکانداز کاتاماران C-14 از چین دریافت کرد که توان شلیک موشک‌های کروزر C-701 را داشتند. علاوه بر این، ایران هزاران مین دریایی، از جمله مدل‌های چینی EM11 و EM52، در اختیار دارد که قابلیت هدف‌گیری شناورهای سطحی از کف دریا را فراهم می‌کنند (Gentry, 2013). همچنین بر اساس گزارش وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در سال ۲۰۱۷، ایران از سال ۲۰۱۴ از طریق شرکت‌های چینی و واسطه‌های وابسته، قطعات الکترونیکی مورد نیاز برنامه موشکی و هسته‌ای خود را تأمین کرده است (Office of Foreign Assets Control, 2012 & U.S. Department of the Treasury 2017).

همچنین در سطح راهبردی نیز پس از انتخاب ابراهیم رئیسی، گرایش سیاست خارجی ایران به سوی آسیا شتاب گرفت و چین به عنوان محور اصلی این رویکرد تلقی شد. در این چارچوب، ایران و چین در سال ۲۰۲۳ بیست سند همکاری در حوزه‌های متنوع اقتصادی، فناوری و زیرساختی امضا کردند که بخشی از روند اجرای سند همکاری ۲۵ ساله تحت عنوان «شراکت جامع راهبردی» دو کشور به شمار می‌آید. این توافقات طیف گسترده‌ای از زمینه‌ها، از تجارت و حمل و نقل تا محیط زیست، فناوری اطلاعات، بهداشت و فرهنگ را در بر می‌گیرد (The Islamic Republic News Agency, 2023).

با وجود این سطح از همگرایی سیاسی و گسترش چارچوب‌های همکاری راهبردی، میزان تحقق این روابط در عرصه اقتصادی همچنان نیازمند بررسی تطبیقی در سطح منطقه‌ای است. در مقایسه میزان تجارت چین با کشورهای خاورمیانه، می‌توان مشاهده کرد که در صدر شرکای تجاری پکن در این منطقه، عربستان سعودی و پس از آن امارات متحده عربی قرار دارند؛ دو کشوری که به واسطه حجم بالای صادرات نفت خام و سایر اقلام انرژی، سهم قابل توجهی از مبادلات تجاری منطقه را به خود اختصاص داده‌اند. ایران نیز در جایگاه سوم شرکای تجاری چین در خاورمیانه قرار دارد؛ به طوری که از کل تجارت حدوداً ۱۳۰ میلیارد دلاری ایران در سال ۲۰۲۳، ۳۶ میلیارد دلار مجموع مراودات غیرنفتی ایران و چین است، یعنی حدوداً ۲۷.۷ درصد تجارت ایران را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین این جایگاه سوم نشان می‌دهد که با وجود محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و نبود دسترسی شفاف به آمار رسمی صادرات نفتی، همچنان تهران نقش قابل توجه در سبد تجاری چین در منطقه دارد (Islamic Republic of Iran Customs Administration, n.d.).



نمودار ۱: سهم کشورهای خاورمیانه در تجارت چین ۲۰۲۳-۲۰۲۲

(Islamic Republic of Iran Customs Administration, n.d., Trade Map, retrieved October 18, 2025)

در حوزه انرژی نیز، چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت ایران به شمار می‌رود. همان‌طور که برآوردها در جدول ۵ نشان می‌دهد؛ این کشور به‌طور میانگین روزانه حدود ۱.۴۸۳ میلیون بشکه نفت خام از ایران وارد می‌کند، رقمی که تقریباً ۹۰ درصد از کل صادرات نفت ایران را تشکیل می‌دهد. این در حالی است که عربستان سعودی نیز به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان نفت چین، روزانه حدود ۱/۶ میلیون بشکه نفت به این کشور صادر می‌کند. مقایسه این ارقام نشان می‌دهد که ایران، با وجود محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، جایگاهی ممتاز در تأمین انرژی چین دارد و بخش قابل‌توجهی از وابستگی انرژی این کشور در چارچوب روابط بلندمدت دوجانبه تأمین می‌شود (U.S. Energy Information Administration, 2025).

جدول ۵: صادرات نفت ایران به چین هزار بشکه در روز

Table 1. Revenue from Iran's crude oil and condensate exports and sales

nominal billion dollars

Data source	2018	2019	2020	2021	2022	2023	2024
EIA Estimate ^{a,b}	\$51	\$11	\$5	\$19	\$38	\$42	\$43

Table 2. Crude oil and condensate exports from Iran, 2018–2024

thousand barrels per day

Data source	2018	2019	2020	2021	2022	2023	2024
Vortexa Estimate	2,014	704	370	846	992	1,327	1,483

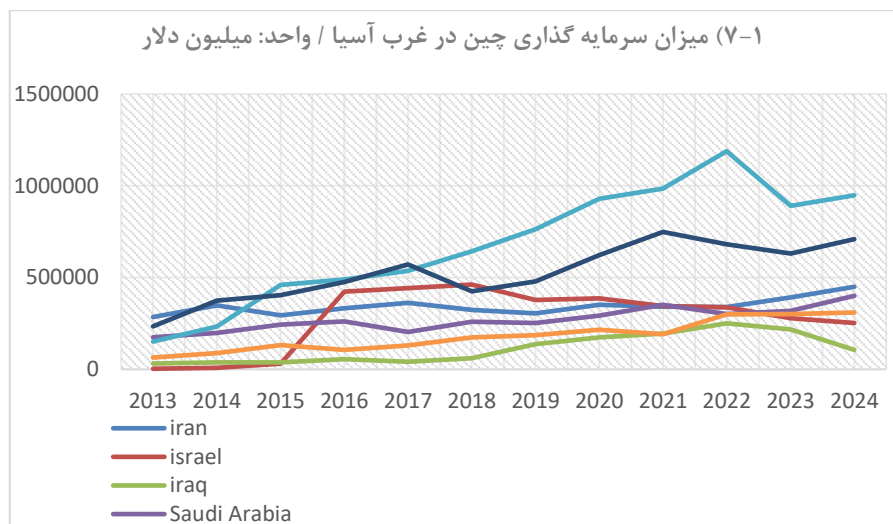
Source: Vortexa Analytics tanker tracker (accessed March 2025).

(U.S. Energy Information Administration, *Report on Iranian petroleum and petroleum products exports*, 2025: 2-3)

همچنین در حوزه جذب سرمایه‌گذار خارجی نیز امارات متحده عربی، با جذب حدود ۹.۴۹۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ و ۷۳ میلیارد از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴ و پاکستان، با جذب نزدیک به ۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ و ۵۳ میلیارد از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴ در رأس کشورهایی قرار دارند که بیشترین سرمایه‌گذاری چین را جذب کرده‌اند. ایران با اختلافی قابل‌توجه نسبت به این دو کشور، با جذب حدود ۴.۴۶۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ و ۳۲ میلیارد دلار از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴ در رتبه سوم قرار گرفته و

عربستان سعودی نیز با جذب نزدیک به ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ و ۲۷ میلیارد دلار از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴ جایگاه بعدی را به خود اختصاص داده است (Ministry of Commerce of the People's Republic of China, 2024).

نمودار ۲: سرمایه گذاری چین در غرب آسیا



Ministry of Commerce of the People's Republic of China, Statistical bulletin of China's outward foreign direct investment in 2024

بنابراین، اگرچه اسرائیل برای چین یک شریک کلیدی در دسترسی به فناوری‌های پیشرفته، نوآوری‌های تکنولوژیک و توسعه زیرساخت‌ها محسوب می‌شود، روابط با ایران نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین مخالفان اسرائیل، روابطی از نوع استراتژیک در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و انرژی قلمداد می‌شود. این نوع روابط به چین امکان می‌دهد تا از منابع انرژی ایران بهره‌برداری کند و هم‌زمان با فروش فناوری‌ها و تجهیزات نظامی از جمله موشک‌های کروز به ایران، نفوذ منطقه‌ای چین را افزایش دهد و جایگاه خود را در تأمین تسلیحات ایران تقویت کند؛ همکاری‌ای که علاوه بر ارتقای توان نظامی ایران، به‌طور غیرمستقیم بر توان شرکای نزدیک به ایران، مانند حزب‌الله نیز اثر گذاشت.

۷. مسئله فلسطین

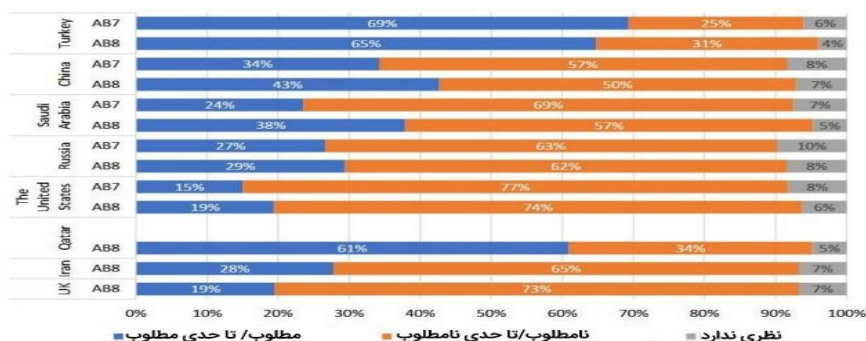
مسئله فلسطین که پس از عملیات ۷ اکتبر در هسته مرکزی اقدامات بشردوستانه چین در منطقه خاورمیانه قرار گرفته، از جمله عواملی است که به شدت بر مثلث روابط ایران-چین-اسرائیل تأثیر گذاشته است. در این جهت، عرب بارومتر^۱ دو نظرسنجی در مورد مسئله فلسطین و رویکرد کشورهای عربی نسبت به مسائلی که در حول محور آن قرار دارد انجام داده است؛ یکی از این نظرسنجی‌ها که با عنوان AB7 شناخته می‌شود، در نوامبر ۲۰۲۱ اجرا شد.

نظرسنجی دوم با عنوان AB8، در بازه ۲۸ سپتامبر تا ۸ اکتبر ۲۰۲۳ توسط مرکز پژوهش‌های سیاست و نظرسنجی فلسطین (PSR) در کرانه باختری و نوار غزه انجام گرفت. در این چارچوب، عرب بارومتر با استفاده از نمونه‌ای تصادفی شامل ۱'۱۸۹ فرد بزرگسال، مصاحبه‌هایی را در ۱۲۰ منطقه مسکونی در کرانه باختری، غزه و قدس شرقی انجام داد. داده‌های به دست آمده از این نظرسنجی‌ها، می‌تواند بازتاب‌دهنده تأثیر تلاش‌های چین برای افزایش حضور بشردوستانه خود در منطقه باشد. در ادامه، نتایج دو نظرسنجی AB7 و AB8 با یکدیگر مقایسه می‌شوند.

محبوبیت قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و منطقه‌ای قبل از جنگ ۷ اکتبر و رضایت از عملکرد این قدرت‌ها در طول جنگ

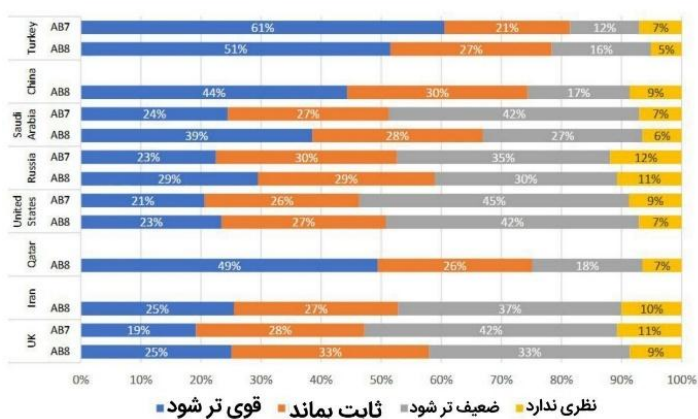
در نظرسنجی AB8، از پاسخ‌دهندگان درباره محبوبیت ۸ کشور سؤال شد. کشورهای که بیشترین محبوبیت را داشتند عبارت بودند از: ترکیه، قطر، چین، عربستان سعودی، روسیه، ایران، بریتانیا و در نهایت ایالات متحده. همان‌طور که در نمودار ۳ نشان داده شده، پنج کشور از این هشت کشور که در نظرسنجی دو سال پیش (AB7) نیز مطرح شده بودند. از میان این پنج کشور، چهار کشور شاهد افزایش محبوبیت بوده‌اند،

محبوبیت چین ۹ امتیاز افزایش یافته و محبوبیت ایالات متحده ۴ امتیاز افزایش داشته است (Arab Barometer, 2023: 6).



نمودار ۳: میزان محبوبیت کشورهای جهان

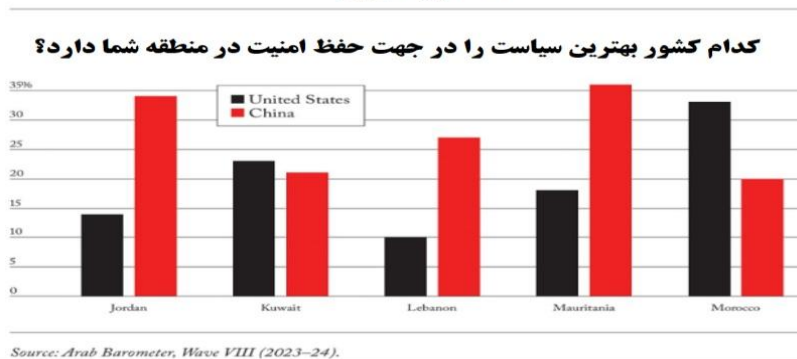
در سؤالی دیگر، پرسش شد که برای هر یک از مسائل زیر؛ سیاست چین بهتر است؟ سیاست آمریکا بهتر است؟ سیاست‌های چین و آمریکا به طور مساوی خوب هستند؟ یا سیاست‌های چین و آمریکا به طور مساوی بد هستند؟ (Arab Barometer, 2023: 10).



نمودار ۴: تمایل فلسطینی‌ها از همکاری با کشورهای مطرح شده

یافته‌های نظرسنجی نشان می‌دهد، حمایت از ایالات متحده در میان فلسطینی‌ها و به‌طور کلی در جهان عرب، کاهش یافته و چین از این تغییر در افکار عمومی بهره برده است. در مناطق مورد بررسی پس از ۷ اکتبر، دست‌کم نیمی از پاسخ‌دهندگان نگاه مثبتی به چین داشتند و ترجیح دادند سیاست‌های چین را برای امنیت منطقه مناسب‌تر از سیاست‌های آمریکا بدانند. با وجود نقش محدود چین در تحولات غزه، مواضع آن در حمایت از حقوق فلسطینیان توانسته است تصویر مثبتی ایجاد کند؛ این گرایش مثبت به چین، به‌ویژه پس از ۷ اکتبر در پنج کشور نظرسنجی شده (اردن، کویت، لبنان، موریتانی و مراکش) بارز بوده و نشان می‌دهد که افکار عمومی عرب در مقایسه با ایالات متحده (که به خاطر حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل مورد نقد قرار گرفته)، نسبت به سیاست‌های چین دیدگاه مطلوب‌تری دارند (Arab Barometer, 2024).

دست‌آورد چین



نمودار ۵: رویکرد کشورهای مطرح شده نسبت به چین و آمریکا

(Arab Barometer, 2024)

چین که تا پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تلاش می‌کرد میان حمایت از فلسطین و حفظ روابط با اسرائیل توازن ایجاد کند، پس از این تاریخ موضع خود را تغییر داد و با لحن و اقدامات صریح‌تری به محکومیت رفتار اسرائیل در غزه پرداخت؛ تغییری که بیانگر

برجسته‌تر شدن حمایت چین از حقوق فلسطینی‌ها در ذیل ایده رهبری جنوب جهانی و مکمل سیاست خاورمیانه‌ای این کشور است (Ahmadi, 2024). این تغییر نشان‌دهنده بازنگری در اولویت‌های دیپلماتیک چین در خاورمیانه است (Shorbagy, 2024:145)؛ بنابراین وضعیت کنونی هم خطرات و هم فرصتهایی برای چین فراهم می‌آورد. با افزایش گرایش‌های مثبت به حضور چین در منطقه، می‌توان شاهد افزایش گسترده‌تر چین در منطقه و تأمین انرژی موردنیاز این بازیگر توسط کشورهای عربی و حضور عمیق‌تر در میان کشورهای عرب‌زبان بود؛ زیرا هم‌اکنون نیز عربستان سعودی و امارات متحده عربی دوتا از بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان سرمایه‌گذاری چینی هستند و روابط تجاری و زیرساختی گسترده‌ای با چین دارند (Simon, 2021).

در پی تعمیق روابط اقتصادی و انرژی، همکاری‌های مالی و پولی نیز به‌صورت طبیعی وارد مرحله جدیدی شده و نشانه‌های آن به‌روشنی قابل مشاهده است. برای نمونه، در اواخر دهه ۲۰۱۰ عربستان سعودی پیشنهاد کرد که چین بهای نفت وارداتی خود را به‌جای دلار آمریکا با یوان پرداخت کند. در امتداد همین روند، در سال ۲۰۱۵ بانک‌های مرکزی عربستان سعودی و امارات متحده عربی، تفاهم‌نامه‌هایی درباره ترتیبات تسویه با یوان امضا کردند. تداوم این مسیر موجب شد که در سال ۲۰۱۸ انتشار اوراق قرضه به یوان در منطقه شورای همکاری خلیج فارس به رکورد جدیدی برسد و امارات متحده عربی به بزرگ‌ترین صادرکننده بدهی یوان تبدیل شود (Greenwald, 2019). درنهایت، برای نهاده‌سازی هرچه بیشتر این روند، رئیس‌جمهور چین اعضای شورای همکاری خلیج فارس را به استفاده از بورس نفت و گاز شانگهای برای تسویه معاملات نفت و گاز بر پایه یوان تشویق کرده است (Baabood, 2022). درواقع این امر نشان‌دهنده آگاهی چین از اهمیت بازیگران مطرح منطقه ازجمله عربستان و ایران است؛ پکن بر این باور است که افزایش نقش یوان نه تنها به تعمیق حضور مالی چین در غرب آسیا و تثبیت امنیت انرژی آن می‌شود، بلکه می‌تواند به تدریج دامنه نفوذ ایالات متحده آمریکا را نیز در منطقه کاهش دهد و این امر زمینه‌ای

را فراهم می‌کند تا میدان مانور استراتژیک این کشور بیش از پیش افزایش پیدا کند و شواهد حاکی از آن است که این روند را از طریق سیاست‌های ژئواکونومیک و در طول سیاست‌های ژئوکالچرال خود در ذیل ایده رهبری جنوب جهانی در پیش خواهد گرفت. با این حال، باید توجه داشت که در کنار تعمیق روابط مالی و انرژی با کشورهای عربی، ملاحظات فناورانه نیز بر رفتار چین اثرگذار است. نقش اسرائیل در تأمین بخشی از نیاز چین به فناوری‌های پیشرفته از جمله در «حوزه های تک» سبب می‌شود که سیاست «همکاری- تعارض» در قبال این بازیگر، همچنان در راهبرد منطقه‌ای چین تداوم یابد؛ با این وجود، تحولات اخیر منطقه نشان می‌دهد که این الگوی رفتاری دستخوش تغییراتی مهم شده است؛ به گونه‌ای که پس از عملیات طوفان الاقصی و جنگ ۱۲ روزه ۲۰۲۵ می‌توان از نوعی تحول راهبردی در رویکرد چین سخن گفت. در ادامه، به بررسی ابعاد و پیامدهای این تحول راهبردی پرداخته می‌شود.

فرجام سخن

تحول راهبردی چین پس از طوفان الاقصی و جنگ ۱۲ روزه ۲۰۲۵

همان‌طور که بیان شد پس از عملیات «طوفان الاقصی» در هفتم اکتبر ۲۰۲۳، ادراک رژیم صهیونیستی نسبت به چین دستخوش تحول قابل‌توجهی شد؛ تحولی که تا حد زیادی ناشی از مجموعه‌ای از اقدامات و مواضع اخیر پکن بود. انتشار شواهدی درباره همکاری و حمایت غیرمستقیم تسلیحاتی چین (Lailari, 2025) از محور مقاومت، همراه با ابتکار پکن در دعوت از نمایندگان ۱۴ گروه فلسطینی برای پیشبرد وحدت داخلی (Zhou, 2024) موجب شد چین دیگر نه به‌عنوان یک شریک بی‌طرف و قابل‌اعتماد اقتصادی، بلکه به‌عنوان بازیگری جانب‌دار و غیرقابل اتکا در معادلات منطقه‌ای، از جانب اسرائیل تلقی شود.

تجلی این رویکرد را می توان در بیانیه بیش از ۷۰ عضو کنست در جهت حمایت از تایوان و همچنین در لحن تهاجمی تر رسانه های اسرائیلی علیه پکن مشاهده کرد (Jerusalem Post, 2025)؛ رسانه هایی که چین را در چارچوب «محور اقتدارگرایی» متشکل از ایران، روسیه و چین قرار می دهند و در مقابل، رژیم صهیونیستی را به عنوان نماد دموکراسی و ارزش های غربی برجسته می کنند.

با این حال، از جانب پکن به نظر می رسد حفظ روابط پیشین، پس از هفت اکتبر در دستور کار قرار گرفت؛ به طوری که پس از سرد شدن آتش هفت اکتبر در اقدامی نمادین شیائو جونژنگ^۱ را در ۲۹ نوامبر ۲۰۲۴ به عنوان سفیر جدید در رژیم معرفی کرد (Embassy of the People's Republic of China in Israel, 2024) و از همان آغاز مأموریت، او فعالانه در محافل دیپلماتیک حضور پیدا کرد و درصدد بود پیام پکن در خصوص حفظ روابط را منتقل سازد. دیدار با وزیر اقتصاد و صنعت و حضور در نشست های اقتصادی و تجاری بخشی از تلاش های صورت گرفته در اذهان عمومی است (Embassy of the People's Republic of China in Israel, n.d). چنین تحرکاتی بیانگر آن است که چین به دنبال کاهش تنش ها و احیای مسیر همکاری های اقتصادی و تجاری گذشته است؛ اگرچه از جانب رژیم بی اعتمادی از پکن بیش از پیش افزایش پیدا کرده است.

برخی تحلیلگران چینی معتقدند که چین به دلیل نداشتن ریشه های عمیق در غرب آسیا، ناگزیر به دنبال راهبردی متعادل در روابط منطقه ای خود است. در این چارچوب، اگرچه ایران از منظر انرژی، بازار بالقوه و ملاحظات ژئواکونومیک شریک مهمی برای چین به شمار می آید، اما پیچیدگی های سیاسی منطقه، رقابت های شدید میان بازیگران و تمایل چین به پرهیز از تعهدات امنیتی رسمی، باعث شده پکن در تعامل با ایران رویکردی محتاطانه و متوازن اتخاذ کند (Hao, 2025).

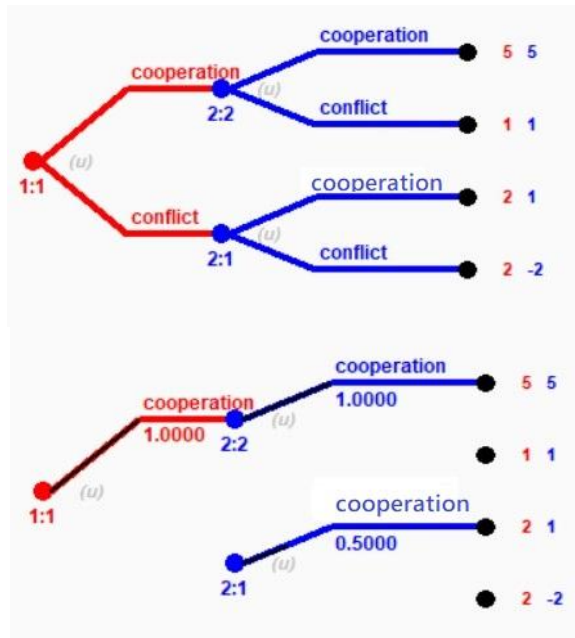
1. Xiao Junzheng

در حقیقت به‌زعم نویسندگان، پکن اگرچه در سطح یک قدرت بزرگ در نظم بین‌الملل عمل می‌کند، با این حال به دلیل عدم قطعیت بالا و پیشران‌های متعدد و پیش‌بینی‌ناپذیر مانند نوسانات انرژی، تغییرات سیاست داخلی بازیگران منطقه‌ای، شدت گرفتن رقابت‌های تسلیحاتی، تحولات سریع در ائتلاف‌های امنیتی تحت رهبری ایالات متحده و بروز بحران‌های ژئوپلیتیکی ناگهانی، این کشور از اتخاذ موضع مستقیم و یک‌جانبه پرهیز می‌کند تا از ظرفیت همکاری با ائتلاف‌های مقابل بهره‌مند شود؛ تجلی این امر را می‌توان در حضور حائز اهمیت پکن در اسرائیل در سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ مشاهده کرد که همگام با حضور گسترده آن در تهران بود.

همچنین با توجه به تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار gambit که در ماتریس یک قابل مشاهده است، مطلوب‌ترین وضعیت در روابط این دو کشور بر اساس تعادل نش همکاری-همکاری است؛ زیرا علاوه بر اینکه چین نیازمند فناوری مدرن و... اسرائیل است، اسرائیل نیز از دسترسی به بازار چین و بازسازی زیرساخت‌های خود توسط چین منفعت می‌برد؛ بنابراین، در سناریوی همکاری-همکاری، هر دو طرف بیشترین پاداش را دریافت خواهند کرد.

اما در وضعیت تعارض-تعارض، اگرچه چین به دلیل تعمیق روابط خود با جهان عرب و ایران از منافع نسبی برخوردار می‌شود، اسرائیل با چالش‌های اساسی روبه‌رو خواهد شد و به‌نوعی دومین شریک استراتژیک مهم خود را از دست می‌دهد. اگر یکی از طرفین به‌سوی تعارض حرکت کند، تعادل نش نشان می‌دهد که وضعیت برای هر دو بازیگر دشوار خواهد شد. در بدترین سناریو برای اسرائیل، یعنی حالتی که استراتژی تعارض چین در برابر تعارض اسرائیل قرار می‌گیرد، به ترتیب امتیازهای ۲ و -۲ در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا در چنین وضعیتی، افزایش تعاملات و همگرایی چین با رقبای منطقه‌ای اسرائیل محتمل بوده و این امر روند قطبیت یابی در منطقه را تشدید می‌کند؛ روندی که می‌تواند پیامدهای منفی عمیق و بلندمدتی بر موقعیت راهبردی اسرائیل بر جای بگذارد. در این وضعیت، اسرائیل علاوه بر اینکه بازار ۱.۴۴۴ میلیارد نفری چین را

از دست خواهد داد، همچنین با فشار فزاینده‌تری از جانب کشورهای عربی و جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو خواهد شد.



نمودار ۶: ماتریس روابط چین و اسرائیل با نرم‌افزار گمیت

در نتیجه می‌توان چنین استنباط کرد که پیش از هفت اکتبر و به دنبال آن جنگ دوازده‌روزه، سیاست خارجی چین مبتنی بر «تعداد استراتژیک» یا بر اساس نمودار ماتریس ۶ همکاری-تعارض بود. این رویکرد، به چین اجازه می‌داد تا بر اساس مبانی فکری، ازجمله؛ تمایز میان «منافع هسته‌ای» و «منافع مهم»، «پرهیز از تعهدات امنیتی

۱. که مبتنی بر این رویکرد بود که مسائلی چون تایوان، حاکمیت سرزمینی و ثبات نظام سیاسی که تهدید علیه آن‌ها مستقیماً با بقا، حاکمیت و مشروعیت نظام سیاسی چین پیوند خورده است. در مقابل، موضوعاتی نظیر دریای چین جنوبی و سایر محیط‌های پیرامونی از جمله غرب آسیا، اگرچه برای امنیت و توسعه چین اهمیت بالایی دارند، عمدتاً به‌عنوان منافع مهم یا حوزه‌هایی مرتبط با منافع هسته‌ای تلقی می‌شوند، نه الزاماً منافع غیرقابل

الزام‌آور^۱، «تقدم ثبات بر نفوذ»^۲، «تفکیک میان حضور و مداخله»^۳ و درنهایت، «اتخاذ سیاست‌ها در غرب آسیا در سایه محاسبه نسبت به ایالات متحده»^۴ به تعمیق نسبی روابط اقتصادی و سیاسی خود در منطقه بپردازد و از ورود به منازعات نظامی پرهیز کند. اجتناب کند و در عین حال، از تعهدات امنیتی الزام‌آور نیز پرهیز کند.

مصالحه (Science of Military Strategy, 2020). این تمایز مفهومی را می‌توان در اسناد رسمی و متون راهبردی چین، از جمله سند «امنیت ملی چین در عصر جدید» و متنون آکادمی علوم نظامی چین مشاهده کرد؛ اسنادی که بدون به‌کارگیری صریح ادبیات رئالیستی غربی، به‌طور ضمنی میان حوزه‌های امنیتی غیرقابل معامله و حوزه‌های قابل مدیریت تمایز قائل می‌شوند.

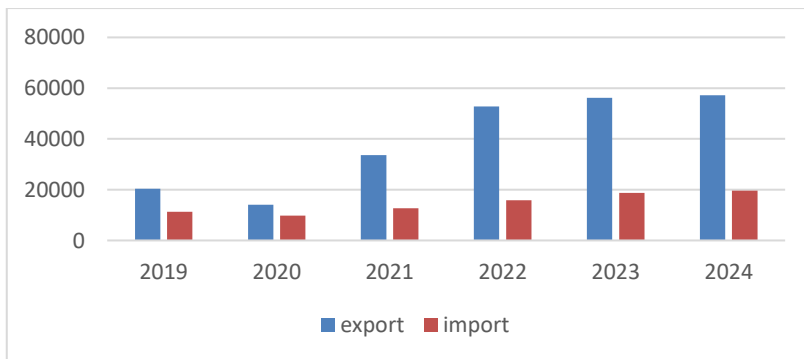
۱. برخلاف قدرت‌هایی مانند ایالات متحده که حضور نظامی و اتحادهای رسمی را ابزاری برای تثبیت نفوذ منطقه‌ای می‌دانند، چین به‌طور نظام‌مند از ورود به ترتیبات دفاعی متقابل یا تضمین‌های امنیتی رسمی اجتناب می‌کند. این رویکرد نه ناشی از ضعف موقت، بلکه حاصل محاسبه‌ای راهبردی است که هدف آن حفظ انعطاف‌پذیری، کاهش هزینه‌های بلندمدت و جلوگیری از گرفتار شدن در منازعات مزمن منطقه‌ای است (State Council Information Office of the PRC, 2025).

۲. رویکردی که ریشه در مفهوم باستانی هارمونی در متنون قدیمی چین دارد. درک چینی از امنیت، بیش از آنکه بر گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی از طریق ابزار نظامی متکی باشد، بر جلوگیری از بی‌ثباتی‌های کنترل‌ناپذیر متمرکز دارد؛ (Grydehoj& Su, 2021) بی‌ثباتی‌هایی که می‌توانند به اختلال در جریان انرژی، تهدید منافع اقتصادی چین و افزایش فشارهای خارجی، به‌ویژه از سوی ایالات متحده منجر شوند. از این منظر، چین ترجیح می‌دهد به‌جای ایفای نقش یک قدرت مداخله‌گر، در قامت بازیگری ظاهر شود که از طریق دیپلماسی، تعامل اقتصادی و میانجی‌گری محدود، تنش‌ها را در سطحی قابل مدیریت نگه می‌دارد.

۳. حضور چین در این منطقه، عمدتاً در قالب روابط اقتصادی، انرژی‌محور، سرمایه‌گذاری زیرساختی، صادرات محدود تسلیحات و تعاملات دیپلماتیک تعریف می‌شود؛ در حالی که مداخله مستقیم در بحران‌های امنیتی یا درگیری‌های نظامی، عامدانه خارج از دایره کنشگری پکن قرار می‌گیرد. این تفکیک به چین اجازه می‌دهد ضمن حفظ منافع خود، از تبدیل شدن به طرف مستقیم منازعات پرهیز کند (Ehret& Murphy, 2023).

۴. نزدیکی ساختاری آمریکا با برخی بازیگران کلیدی منطقه، به‌ویژه رژیم صهیونیستی و حساسیت شدید پکن نسبت به مسئله تایوان، موجب شده است که هرگونه تعمیق همکاری امنیتی با بازیگرانی مانند ایران، در چارچوبی محدود، گزینشی و قابل کنترل صورت گیرد. به بیان دیگر، چین در تصمیم‌گیری‌های خود نه‌تنها موازنه میان بازیگران منطقه‌ای، بلکه پیامدهای فرامنطقه‌ای تعاملاتش را نیز در نظر می‌گیرد.

اما با وقوع تحولات اخیر، ازجمله عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، تحولات در سوریه و ضربات سنگین به محور مقاومت باعث شد که چین به این ادراک برسد که توازن قوا به نفع شرکای آمریکا در منطقه تغییر کرده است. این تغییر در توازن قوا، موجب شد که پکن حمایت خود از ایران را تقویت کند و استراتژی غرب آسیای خود را، به‌طور نسبی متحول سازد. در این جهت، پکن به سمت تقویت روابط خود با ایران و کاهش تعهدات به اسرائیل حرکت کرد؛ تجلی این رویکرد را می‌توان در افزایش میزان واردات از ایران به‌خصوص در حوزه انرژی مشاهده کرد، به طوری که با وجود انتقادات از جانب نمایندگان رژیم، ازجمله رافیت بایر سرکنسولگر رژیم در شانگهای که علناً از چین خواست به همکاری نفتی با ایران پایان دهد، پکن نه‌تنها این خواسته را نادیده گرفت، بلکه روند خرید خود را همان‌طور که در نمودار ۷ قابل مشاهده است، تقویت کند (Al Jazeera Net, 2025). همچنین، همگام با آن، حجم فراوانی از خروج سرمایه نیز از جانب پکن صورت گرفته است که در کنار واکنش‌های نسبتاً تهاجمی‌تر پکن در مورد فلسطین و ایران، می‌توان شاهد تغییر نسبی این استراتژی در قبال اسرائیل بود.



نمودار ۷: مراودات تجاری نفتی و غیرنفتی ایران و چین پس و پیش از عملیات طوفان الاقصی

Iran Customs Administration, n.d., retrieved October 18, 2025; Trade Map, n.d., (retrieved October 18, 2025)

بنابراین، می‌توان چنین استدلال کرد که به‌طور ضمنی، جایگاه ایران به‌عنوان یک شریک اقتصادی و موازنه ساز ژئوپلیتیک، بیش از پیش در راهبرد غرب آسیای چین افزایش یافته است و چین در عمل، ترجیح داده است روابط خود با ایران را تثبیت کند؛ حتی اگر به قیمت ایجاد تعارضات بیشتر با آمریکا و رژیم تمام شود.

در نتیجه بر اساس ماتریس مطرح‌شده، می‌توان چنین استنباط کرد که در این چارچوب، ایران برای چین گزینه‌ای با ریسک کمتر و بازده نسبی بیشتر تلقی می‌شود، زیرا وابستگی ساختاری و فقدان استقلال راهبردی اسرائیل از ایالات‌متحده و عوامل دیگر، پیش‌تر مطرح شد؛ قابلیت اتکای آن را به‌عنوان یک شریک پایدار برای چین تضعیف می‌کند و به افزایش احتمال حرکت روابط از همکاری-تعارض به سمت وضعیت تعارض-تعارض نسبی در آینده می‌انجامد. مجموع این عوامل نشان می‌دهد که ممکن است ایران در کنار آمریکا به‌عنوان یکی از پیشران‌های حائز اهمیت در نوع روابط چین و اسرائیل تبدیل شده باشد.

References

- Ahmadi, A. (2024). China's Break with Israel was Years in the Making, Retrieved January 17, available at: <https://www.worldpoliticsreview.com/china-palestine-israel-relations/?one-time-read-code=265107170504249257320>
- Al Jazeera Net. (2025). Israel urges China to rein in Iran's nuclear ambitions. Retrieved January 17, available at: <https://www.aljazeera.net/news/2025/7/2>
- Arab Barometer (2024). America is losing the Arab world and China is reaping the benefits. <https://www.arabbarometer.org/media-news/america-is-losing-the-arab-world-and-china-is-reaping-the-benefits/>
- Arab Barometer VIII (2023) Palestinian perception of international actors and international relations (Report 2)
- Axelrod, R. (1998) *The evolution of cooperation*, Basic Books, Inc., New York.
- Baabood, A. (2022). The Chinese President's Recent Visit to Saudi Arabia Highlighted the Arabs' desire to diversify their Foreign Relations.

- Retrieved February 15, Available at: <https://carnegie-mec.org/diwan/88685>
- Chaziza, M. (2016). BESA Center Perspectives Paper No. 385. Retrieved January 17, available at: <https://besacenter.org/385-chaziza-the-red-med-railway-new-opportunities-for-china-israel-and-the-middle-east/>
- Chinese Academy of Military Sciences. (2022). *Science of Military Strategy 2020*, Air University (CASI). <https://www.airuniversity.af.edu/Portals/10/CASI/documents/Translations/2022-01-26%202020%20Science%20of%20Military%20Strategy.pdf>
- Eber, I. (2020). *Jews in China :Cultural Conversations ,Changing Perceptions*, The Pennsylvania State University Press
- Ehret, M., & Murphy, A. (2023). *China's increasing role in the Middle East: Implications for regional and international dynamics*. Georgetown Journal of International Affairs. <https://gjia.georgetown.edu/2023/06/02/chinas-increasing-role-in-the-middle-east-implications-for-regional-and-international-dynamics/>
- Ella, D. (2019). Regulation of Foreign Investments and Acquisitions: China as a Case Study: Israel-China Relations: Opportunities and Challenges, *Institute for National Security Studies*, Tel Aviv
- Embassy of the People's Republic of China in Israel. (2024). *Ambassador Xiao Junzheng arrived and took post in Israel*, Retrieved October 17. Available at: <https://www.facebook.com/ChineseEmbassyinIsrael/posts/891329169850803>
- Embassy of the People's Republic of China in Israel. (n.d.). *X profile*. Retrieved October 17, available at: <https://x.com/chnambxiao>
- Evron, Y. (2018). The economic dimension of China-Israel relations: political implications, roles and limitations, *Israel Affairs*, 23(5), 828-847
- Gentry, b. J. (2013). China's Role in Iran's Anti-Access / Area Denial Weapons Capability Development, Retrieved January 17 Available at: https://www.mei.edu/publications/chinas-role-irans-anti-access-area-denial-weapons-capability-development#_ftn21
- Greenwald, B. M. (2019).The Silk Road and the Gulf: A New Frontier for the RMB, Retrieved March 12, available at: www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/the-silk-road-and-the-gulf-a-new-frontier-for-the-rmb/
- Griffiths, M. (1992). *Realism, Idealism and international politics; A Reinterpretation*, New York: Routledge.
- Grydehøj, A., & Su, P. (2021). *China and the Pursuit of Harmony in World Politics: Understanding Chinese International Relations Theory* (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003259794>

- Hao Nan. (2025). Iran-Israel war: What China won't do for Iran. Retrieved October 17. Available at: <https://www.thinkchina.sg/politics/iran-israel-war-what-china-wont-do-iran>
- Haotan, W. & Dalei, J. (2018). Trade versus Security: Sino-Israeli Security Relations in a Game of Three Players, *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 12(2), 193-206.
- Institute for Security & Development Policy (2018), Retrieved March 12, available at: <HTTPS://WWW.ISDP.EU/WP-CONTENT/UPLOADS/2018/06/MADE-IN-CHINA-BACKGROUNDER.PDF>
- Islamic Republic of Iran Customs Administration (IRICA). (n.d.). Retrieved October 18, 2025, available at: https://irica.ir/index.php?module=cdk&func=loadmodule&system=cdk&sismodule=user/content_view.php&sisOp=view&ctp_id=29&cnt_id=3033452&id=2242
- Jerusalem Post (2025) Taiwan stood by Israel, now it's our turn': Over 70 Israeli lawmakers vow support for Taiwan, Retrieved July 26, available at: <https://www.jpost.com/israel-news/article-862102>
- Keohane, R. (1984). *After Hegemony; Cooperation and Discord in the World Political Economy*, New Jersey: Princeton University Press.
- Lailari, G. (2024). China's support of Hamas: Evidence and actions. Retrieved March 12, available at: <https://www.jewishpolicycenter.org/2024/04/02/chinas-support-of-hamas-evidence-and-actions/>
- Lakhal, Y.S. & Mida, H. S. (2017). The Red-Med railway project: a serious competitor to the Suez Canal for cargo containers. *Redalyc*, 8(3), 898-917
- Levitt, J. (2014) Israel-China Alliance Moves Forward With \$2 Billion 'Red-Med' Freight Rail Link Alternative to Suez Canal. Retrieved March 12 available at: <https://www.algemeiner.com/2014/03/24/israel-china-alliance-moves-forward-with-2-billion-red-med-freight-rail-link-alternative-to-suez-canal/>
- Majeski, J. Stephen & Fricks, S. (1995). Conflicted Cooperation in International Relations, *journal of conflict resolution*, 39(4), 622-664.
- McBride, J. & Noah Berman & Andrew Chatzky (2023). China's Massive Belt and Road Initiative. Retrieved July 26, available at: <https://www.cfr.org/backgrounder/chinas-massive-belt-and-road-initiative>
- Ministry of Commerce of the People's Republic of China & et al (2024.) *Statistical bulletin of China's outward foreign direct investment*, available at: <http://english.mofcom.gov.cn>

- Ministry of Commerce of the People's Republic of China, National Bureau of Statistics, & State Administration of Foreign Exchange. (2024). *Statistical bulletin of China's outward foreign direct investment*. Retrieved September 10. China Commerce Publishing House. <https://www.gov.cn/lianbo/bumen/202509/P020250908508134967854.pdf>
- Mohnblatt, D. (2023). *Indian group outbids Chinese players for stake in Haifa Port*. Retrieved July 26. Available at: <https://themedialine.org/top-stories/haifa-port-sale-will-boost-india-israel-business-ties-israels-consul-in-mumbai-tells-tml/>
- National Natural Science Foundation of China. (2023). Guidelines for the ISF-NSFC Joint Scientific Research Program. Retrieved July 26. Available at: https://www.nsf.gov.cn/Portals/0/fj/fj20230104_03.pdf
- Office of Foreign Assets Control (2012). Update to the Iranian Financial Sanctions Regulations; Iran Sanctions Designations; Non-proliferation Sanctions Designations; Anti-terrorism Designations; Non-proliferation Sanctions Designations Updates; Anti-terrorism Sanctions Designations Updates", Retrieved September 10, available at: <https://ofac.treasury.gov/recent-actions/20121108>
- Raeisi Nejad, A. (2021). *Iran and the New Silk Road: From the Geopolitics of the Road to the Diplomacy of the Road*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Rand Corporation (2019). The Evolving Israel-China Relationship: Chapter 3, Chinese Perceptions of and Interests in Israel. *RAND Corporation*.
- Shagrir, H. (2019). Israel-China Relations: Innovative Comprehensive Partnership; Israel-China Relations: Opportunities and Challenges, *Institute for National Security Studies*
- Shai, A. (2019) *China and Israel Chinese, Jews; Beijing, Jerusalem (1890–2018)*, Academic Studies Press, Boston
- Shai, S. (2021). China and the Persian Gulf in the Aftermath of a US Withdrawal, *Quincy Institute for Responsible Statecraft*, Retrieved July 10, available at: <https://quincyinst.org/report/china-and-the-persian-gulf-in-the-aftermath-of-a-u-s-withdrawal/>
- Shorbagy, M. (2024). Triangular dynamics: US response to China's assertiveness in the Middle East, *Pluto Journals*, 46(2), 137-161
- Sipgbayport (2022). Development Process, Retrieved September 10, available at: <https://www.sipgbayport.com/development-process>
- Sobol, M. (2022) The Impact of the US on Israel-China Relations: Past, Present, and Future. *prospect & exploration*, 20(9), 81-106
- State Council Information Office of the People's Republic of China. (2025). *China's national security in the new era*. Retrieved from

- https://english.scio.gov.cn/whitepapers/2025-05/13/content_117871660.html
- The Islamic Republic News Agency (2025) Iran, China ink 20 cooperation documents. Retrieved July 10, available at: <https://en.irna.ir/news/85030249/Iran-China-ink-20-cooperation-documents>
- U.S. Department of the Treasury (2017). Treasury Targets Persons Supporting Iranian Military and Iran's Islamic Revolutionary Guard Corps, Retrieved July 10, available at: <https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm0125>
- U.S. Energy Information Administration. (2025, August). *Report on Iranian petroleum and petroleum products exports: A report required by section 4 of the Stop Harboring Iranian Petroleum, U.S. Department of Energy.* , Retrieved July 10, available at: https://www.eia.gov/international/content/analysis/special_topics/SHIP_Act/SHIP-Act_2025.pdf
- Waltz, N. K. (1979). *Theory of International Politics*, Addison-Wesley
- Wu, H., & Jie, D. (2018). Trade versus Security: Sino-Israeli Security Relations in a Game of Three Players. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 12(2), 193–206. <https://doi.org/10.1080/25765949.2018.1472926>
- Zhou, J. (2024). Palestinian factions sign a declaration in Beijing on bolstering unity. Retrieved July 10, available at: <https://www.chinadaily.com.cn/a/202407/24/WS66a037faa31095c51c50f87a.html>

